

در صفحات دیگر این شماره:

- بمناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد درگذشت فردریک انگلس صفحه ۱۶
- دستگیری نمایندگان مبارز شورای کارخانه دیسمان اصفهان صفحه ۳
- اعتصاب غذای زندانیان - تحصن خانواده ها و میتینگهای موضعی در مسجد سلیمان صفحه ۱۶
- پاسخ به نامه ها - انتقادات به پیکار و وظیفه هواداران صفحه ۱۲
- گزارشی از مبارزات دهقانان روستای «نصرآباد» صفحه ۱۵

حزب جمهوری اسلامی، خانه دوم دکتر بقایی

بنا بر تاریخ دوم مرداد ماه، «مجلس شورای اسلامی» جلسه علنی داشت. در این جلسه: بقیا ربا معایت، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، مورد بحث قرار گرفت و تصویب گردید. آیت ضمن دفاعات خود مطالبی را بیان داشت که چهره کشف و خاشا نه خود، حزب قدیم («حزب زحمتکشان») و حزب جدیدش («حزب جمهوری اسلامی») را پیش از پیش به نمایش گذاشت. آیت طی سخنانش مطالب ربا دوگوناگونی را مطرح کرد که ما در اینجا فقط به نظرانش راجع به «حزب زحمتکشان» و «استاد دوپار» و همدش، مظهر بقایی میپردازیم: بقیه در صفحه ۶

اعتراف کارگران و کارکنان مبارز شرکت نفت لایکو به اخراج همکارانشان

اخبار جنبش مقاومت خلق کرد



رفیق شهید تقی شهرام در نامه ای از زندان

آری، شاه مرد، اما...  
سراجم شاه جنایتکار در رتبه شایسته و در فلاکت و زبونی مردوبه احتمال بسیار در متوسط اربابش کشته شد. او که بواسطه مبارزات عظیم و ملیونی شده های خلق دیگر نمیتوانست از منافع ارباب امپریالیست خود با بداری و خراست کندبناچار روحتست فشار مبارزات توده ها و بدستور ارباب خویش از ایران خارج شد. ولی امپریالیست آمریکا یکی جهت تخریب ن...

بر سر تشکیل دولت، جناحهای هیئت حاکمه یکدیگر را می کوبند

هیات حاکمه جمهوری اسلامی میروند تا با انتخاب دولت پس از رسمیت یافتن «مجلس شورای اسلامی» خریس قدمها را در راه «قانونی کردن نظام خود» و «تثبیت آن» بردارد. در نظامهای ضد خلقی، انتخاب افراد در سلسله مراتب مختلف حکومتی محصول ترکیب فواشسی است که جناحهای درونی هیئت حاکمه با یکدیگر دارند. صرف نظر از اینکه ترکیب جناحها و نهادها درون هیئت حاکمه چگونه است و بیست ها و ارگانهای کلیدی توسط چه «سازندگان» برمی شود و وظیفه ملی حاکمیت دفاع از طبقه سرمایه دار ایران و نظام سرمایه داری وابسته و بیگانه رگرفتن ابزارهای مختلف در سرکوب جنبش خلق می باشد. این وظیفه به هیات حاکمه و جدت می بخشد و معآرشی واقعی نیروها را مشخص میسازد. ما هیئت و مضمون جنگ قدرت در «بالا» بر محتوای قوی استوار است. این مضمون بر این امر نظارت دارد: کدام نیروی ضد خلقی وظیفه سرکوب خلق و سرکردگی در هیات حاکمه را برعهده دارد؟ بقیه در صفحه ۲

بمناسبت ۱۴ مرداد: جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران

در طول قرنهای سلطه فئودالیسم و حکومت مطلقه پادشاهان خونخوار بر ایران تا او آخر قرن هجدهم با رهساز قبا و جنبشهای دهقانی بنیاد حاکمیت اشراف، فئودالها و درباریان را به لرزه انداخته است آخرین جنبش وسیع توده های دهقانی قبل از جنبش مشروطیت قبا میهای دهقانی «بابیه» بود که علیرغم امانه و وسعت عظیمی که داشت بعزت نبود شکل، سازماندهی و برنامهای انقلابی محکوم به شکست بود، عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و عدم توسعه روابط سرمایه داری در ایران بدلیل مختلف تاریخی مانع از آن گشته بود تا انقلاب بورژوا - دمکراتیک همزمان با سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری در میهن ما بوقوع بپیوندد و اساس نظام تولیدی فئودالی و حکومت وابسته به این نظام را تغییر دهد. بقیه در صفحه ۱۲

افشای جبهه ملی و مدنی از جانب حزب جمهوری اسلامی و ماهیت آن  
نگاهی به مصاحبه مدنی با کیهان صفحه ۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بعده از صفحه ۱

پرس ۰۰۰

سلطه خوادنی که در طول جده هفتاد خیر لافا طبع  
بدن حال بگذرانند و می آیند حکایت از آن واقعیت  
دارد که در واقع و احوال کنونی آنچه منحصرتکننده  
وضعیت و رابطه بین نهاد های مختلف در جامعه است  
عبارتست از: تعادل نابینا در برابر:

۱- حکومت جنبش خلق را سرکوب میکند. حکومت  
خواهان این است که بنده ها بکنند و وفوری را که  
برایشان به ارمغان آورده است بپذیرند. اما بلحاظ  
وجود انقلابی و تحریک انقلابی در جامعه، این  
سرکوب از سوی بنده ها با عکس العمل حدی در مقابل  
مشود. در عین حال سرحرکات چند ماها خیر حاکمی از  
آن است که فروری بر روی توهم بنده ها سرعت بسیار  
بخود گرفتند و این امر یکی از ویژگیهای بسیار  
مهم لحظه کنونی است.

۲- حکومت به همان نسبت که توان سرکوب جنبش  
خلق میباشد، از توان دادن به نهاد های درونی خود  
نیز ناتوان است. ویژگی وضعیت کنونی که کمیت  
وجود تعدادی است بین حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها  
که در موند و او این نهاد که بنده ها از حزب  
سفارت شکل گرفته است - تعادلی نابینا در برابر  
دو جناح وجود آورده است. این دو جناح که هر دو یک  
ماهیت طبقاتی دارند بر سر سرکوب جنبش در هفتاد که  
که با سازمان چگونگی مقابله با جنبش خلق است به  
مبارزه ای از جناحی علیه دیگری مینویسند. بدین ترتیب  
با بنی به ما هفت این نهادا که بود و بنده ها این مسئله  
توجه داشت که وظیفه ای که به هفتاد که حاکم بنده ها یک  
کل واحد می بخشد عبارت از دفاع از کل نظام در  
برابر سرکوب طبقاتی. ما بنده ها که کفیم نهاد های  
درون جنبه مدخلی بر محور این اصل استوار است که  
کدام نیرو بر دیگری سرکوب کند دانند.

۳- امپریالیسم و بنده ها امپریالیسم آمریکا خواهان  
آنند که هر چه زودتر در ایران جنبه سرکوبی از ضد خلق  
تشیب و واقع را بدین حال یک سرکوب عمومی بوجود  
آورد. اما از آنجا که کشور در موضع اعتدال میسرند،  
هیچ رژیمی که مستقما وابسته به امپریالیسم باشد  
نادر نخواهد بود و او بسیار در آنجا که خود حکومت  
جمهوری اسلامی نیز در برابر هم آوردن چنان شرایطی  
ناتوان است (تشیب و سرکوب طبقاتی) وضعیت نابینا در  
وجود مده است.

با شرح مسائل فوق اکنون نگاه به سیر تحولات  
سیاسی در چند ماها خیر و بنده ها مسئله تشکیل دولت  
بنی صدمی کنیم.

### بحران اقتصادی سیر گسترش یابنده دارد

واقعیت بحران اقتصادی و سیر فزون با بنده  
آن را عمدتاً "لیبرالها" درک کرده اند و ما به طبع نسبی  
به آنها فهمانده است که در ما این سیر برای نظام  
جمهوری اسلامی فرجامی ناخوشایند دارد. بنی صدمی در ما  
در مقابل مختلف اهمیت بحران اقتصادی را به "حرف"  
خود (حزب جمهوری اسلامی) و سیر طبقه سرما به دارگوتزد  
کرده است. سهم خوردن تعادل سرمایه گذاری در رشته -  
های اقتصادی، که هفتاد سرمایه گذاری بنده در صنعت،  
نورم گسترده و مزمن... همگی از نشانه های بسیار  
بحران عمومی است که در ما بنده ها می رفته های  
اقتصادی است. در عین حال عواملی نیز وجود دارد  
که به بحران اقتصادی ما می رسند. ما بنده ها که می-  
دانیم در آمدن بنده ها در اقتصاد ما به -  
داری وابسته دارد. بدون تزریق شدن در آمدن بنده به

رشته های دیگر اعتماد بر ما به داری وابسته کشور ما  
فادرتست تولید و تولید ما به... اهمیت این مسئله  
نابینا در حد است که تغییرات در درآمد نفت، سردمدار  
- آن رژیم را و ادراک تغییرات ما به اقتصادی  
مکنند. طبق بین سیتی رژیم، فزون روزانه ۲ میلیون  
تکه منواست تا پایان سال جاری، بودجه مورد نیاز  
دولت را فراهم کند حال آنکه رژیم در حال حاضر روزی  
بین ۸۰۰ هزار تکه فادرتست فزون رساند. این  
واقعیت سردمداران را بر آن دانسته است که از بنده  
اضطرابی و اصطلاح حکی سخن بمان آورند. سیاسی  
در ما حسی میگوید:

"من این نهاد را اینجا سرچشمه مکنم که

خمینی که در هنگام انتخابات ریاست جمهوری با  
عدم شرکت در این انتخابات و پس از آن سبب سردن  
فرماندهی کل فواحه سی ضروری از حوادث سیاسی  
برای سرنگاری، کمک فراوانی برای بقدرت رسیدن  
او کرده بود، در دوره بعدی مستقیم و غیر مستقیم بر دینگی  
بسیتر خود را به حزب جمهوری اسلامی نشان داده است.  
بنده ها را با سطوح های سیاسی او این امر را به  
ثبوت رسانده است. حمله خمینی به دولت موقت عمدتاً  
از این موضع انجام می شود که آن دولت نتوانسته است  
خلق را بخوبی سرکوب کند، او می گوید:  
"آن روزی که میخواستم سرکوب کردیم در کربلا  
مذاکره من به آنها تذکره دادیم که اگر بخوانید برای

- صرف نظر از اینکه ترکیب جناحها و تضاد های دژون هیئت حاکمه چگونه است و بیست ها و ارگان های  
کلیدی توسط چه "بنیادگانی" بر میشود، وظیفه اصلی حاکمیت دفاع از طبقه سرمایه دار ایران  
و نظام سرمایه داری وابسته و یگار گرفتن ابزار های مختلف در سرکوب جنبش خلق میباشد.
- حزب جمهوری اسلامی آلترناتیو "حام خون" را اکنون بصورت جدی مطرح میکند و بصورتی جدی در  
تحقق این شعار ارتجاعی وضد خلقی به پیش میرود.
- حمله خمینی به دولت موقت عمدتاً از این موضع انجام میشود که آن دولت نتوانسته است خلق را بخوبی  
سرکوب کند.

در آمدن تعادل ممال بطور حقی که هفت پیدا میکنند  
یعنی درآمد نفت در سال قبل حدود ۲۳ میلیارد  
ریال بوده است که ما سال پیش بنی میخواستیم  
آخر سال به نصف تقلیل یابد... و برای حیران  
این رقم تنها راه طبیعی و منطقی این است که  
یک مقدار از هزینه ها را که بنده ها یک مقدار  
به در آمد ما فک کنیم". (اطلاعات ۳۱ سرماه)  
افزاین در آمد های دولت بعلت کاهش درآمد  
نفت با توجه به اینکه دولت حافظ منافع طبقه  
سرما به دار میا ندیم یعنی این است که فضا رو ارد بر  
بنده ها از طریق کاهش دستمزدها و افزودن بر مالیات  
های مختلف بر کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم...  
بسیتر و بیشتر خواهد شد. بدین ترتیب در متن و بیشتر  
بحران اقتصادی است که ما رزبه های طبقه بنی توده ها مردم  
اوج بیشتری میگیرد. حکومت جمهوری اسلامی هیچگونه  
"معجزه ای" که بنده ها در ما حیات سرما به داری وابسته  
و "روس" مجدد آن را بدینا دانند، در ما بنی  
ندارد.

### حزب جمهوری اسلامی می خواهد قدرت را بدست بگیرد

ما بنده ها که فیلگتیم و واقعیت هر مبارزه ای در هیئت  
حاکمه ایران، با فتن سرکوبی در کل نظام است. سلطه  
حرکاتی که حزب جمهوری اسلامی بنده ها پس از کشف  
نوا ریت آغاز کرده است حکایت از آن دارد که "حزب"  
میخواهد سرکوبی خود را بر نظام جمهوری اسلامی تامین  
کند. مسئله اساسی که چنین ضرورتی را فراهم کرده است  
(و محور اصلی حملات حزب بر جناح لیبرالها ست) این  
است که لیبرالها قادر نیستند جنبه انقلاب را سرکوب  
کنند و با عکس با عت رشد نیرو های انقلابی میشوند.

### رفقا و هنرمندان مبارز هوادار سازمان

طرحها و نقاشیهای هنری - انقلابی خود را برای  
درج در نشریات سازمان، برپاشی نماشنگاه و... از هر  
طریقی که میتواند سید را اختیار ما قرار دهد. در ما بنی  
رابطه شما می توانید با ارسال ایده های جالب، ما  
را در عرضه طرحهای غنی تریاری رسانید.  
پیروز با شید

مذاکره بر بنده ها در موضع قدرت بر بود. اول باید  
ارتش و پادگان... آنها را با طاعه کشید و محاط  
کنید بعد شما بر بنده صحبت کنید. ما محله های  
مسئله آن تذکره گرفتاری طولانی برای ما پیش  
آمده و آنقدر ما به راه را در ما دان هم میبینید  
ما به بنده ما به قدر را به پادگان ما شهید شدند  
(جمهوری اسلامی ۷ مرداد) و با:  
"ملاحظه می فرمائید آن که در ما حیات با عزیزی  
عمومی اعلام میکنند ما تشیع جنازه می روم با  
را هیئت می مکنیم برای کشتارهایی که بنده است  
با مجلس عزای منعقد می کنیم. کار ما این شده است  
که در این ملک با پادگان ما اینطور قتل عام  
میشوند و اینطور کشته میشوند و این برای این  
است که ما انقلاب را اینطور که ما به نبرده ایم.  
اگر آن روزی که می خواستند در کربلا در ما  
مذاکره بر بود. من به آنها تذکره دادیم که مذاکره  
اگر بخوانید ما به پادگان ما به موضع قدرت بر بود".  
(اطلاعات ۳۰ تیر)

عرضه تخت و تاز علیه "دولت موقت" (که بنی از  
لیبرالها را در بر می گیرد) فقط به همین جا ختم نمیشود  
و آیت الله مشکینی از "محا کمه" و "جنا بایت" دولت موقت  
سخن می گوید. کودتای امپریالیستی اخیر نیز صحنه  
دیگری گردید برای کشودن جنبه دیگری در حمله به  
لیبرالها توسط دا رود بنده حزب جمهوری اسلامی، که  
مدتها بصورت حمله به "جنبه ملی" تکمل گرفت.

بنی صدمی در جریان "افشای نوا ریت" در موضع  
برتر قرار گرفته بود، یکبار به ما موجی از ضربه زوسی  
حزب جمهوری اسلامی روبرو گشت. نفوذ حزب جمهوری  
اسلامی و پادگان و در قوه قضا شبه و قوه مقننه (مجلس) و  
موضع برتر آن در این دو بخش از ارگانهای جمهوری  
اسلامی ابزار مهمی را در اختیار او قرار داده است. حزب  
جمهوری اسلامی در ادا مه حملات خود به بنی صدمی در ما  
رسیده که ما قوا به حیات از آیت این مزدور وابسته  
به امپریالیسم برپا داشته و وی با درخواست علنی از برای  
-گیری دریا به اعتبار ما نشانکارا خواستار "روشن  
شدن خط ها" در مجلس گردید تا مخالفت اکثریت مجلس  
با "خط بنی صدمی" روشن شود. در متن چنین اوضاع و  
احوالی است که می بینیم پس از گذشت چند ما و حسی  
بقیه در صفحه ۱۳

# جنبش کارگری



## اخراج کارگران و کارکنان مبارز شرکت نفت لایکو تحت پوشش «پاکسازی»

روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه ۵۹ ساعت ۱۰ صبح ناگهان هوا بیمای زبانی که مخصوص هاب نطفه شرکت نفت بود، دربانان فردگاه جزیره لاون به زمین می نشیند. رئیس ژاندارمری و جمعی از بازرگان به استقبال سرنشینان آن میروند. دو نفر به نامهای مرادعلی حدادی و سادات - که هر دو از ناخوابگهان میروند - وزیر نفت (معین فر) هستند. برای «پاکسازی» جزیره می آیند.

اولین قسمتی که آنها دیدن میکنند شرکت نفت است. حدادی در اجتماع کارگران شرکت نفت میگوید: «من سرپرست پاکسازی هستم و برای پاکسازی ما و اکیه به این جزیره آمده ام. البته ما میتوانیم

ما می سا و اکیه را از کار میبرند و سرپرست شرکت نفت و آنان را میروند کنیم». در این هنگام کارگری میگوید: «اگر شما چنین کاری را میسوزانید در سرپهران انجام دهید این چراغها اینجا آمده اند!»

و اجواب میدهد: «ما آمده ایم ما سا و اکیه و افرادی که غیرمکتبی فکر میکنند و احزاب فکری دارند و خراب میکنند را نطفه کنیم». حدادی و سادات همان روزها از اکیه و غیره شرکتی لایکو را میسوزانند و میسوزانند و سادات و غیره در صفحه ۴

## ای کارگران! ای بزرگان!

شعر سرادانش آموری که سال دوم دبستان را سپاسان رسانده و پدرش کارگری و مادرش را زمان می با ندری بیکار فرستاده است با آرزوی بهروزی برای همه دانش آموزان ما روزا ز جمله دانش آموز مذکور، شعرا و دراز بر می آوریم.

ای کارگران!  
ای بزرگان!  
برخیزید، برخیزید  
تا سر دشمن را  
بکنیم، بکنیم  
برخیزید، برخیزید  
حکومت سوسالیم را  
در ایران بسازد بکنیم.  
سوسالیم را  
از دل مادرش در آورید  
تا یک نوحوان با تان  
و با یک منت،  
ببرخیزد سرما به داری را  
براندوزا بوش سازد.

(مانا)

★ ★ ★

## کارگران مبارز تراش پیک عصر ضد کارگردیگری را از کارخانه اخراج کردند

پیش از این نوشتیم که کارگران مبارز کارخانه تراش پیک درسا به همبستگی و اتحاد خود توانستند یکی از سرپرستان ضد کارگران کارخانه را با نام علی یور اخراج نمایند. در نتیجه اول تیرماه با ردیگری با کارگران مبارز موجود ضد کارگردیگری را با نام منوچهر گلکار که مهندس است با ۸ سال سابقه و روکوتی به کارگران از کارخانه بیرون انداختند.

مهندس گلکار به علت فشار و روستی که بر کارگران روا میداشت همواره مورد کینه و نفرت آنها قرار داشت. مثلا اگر دستگای هنگام کار خراب می شد او تمام کاسه کوزه را سرکارگری می شکست که با آن کار می کرد. بطوریکه یکی از کارگران با زاری از تراش او و زنی سر خراب شدن دستگای بیست دستگای به گریه افتاده بود. وقتی یکی از کارگران مبارز در مقابل او می ایستد و به فحش های زبانی می گوید (که همیشه نوبت زبانی بود) پاسخ میدهد، گلکار او را به سا و اک معرفی می کند و از آن زمان همکاری وی با سا و اک برای کارگران روشن میشود. کارگران پس از بیروزی قیام بهمین ماه همواره منتظر و خواستار اخراج او بودند، تا اینکه در نتیجه اول تیرماه که موجب خشم و اخراج در ادارات، کارخانجات و موسسات دولتی بالکرفت، در این کارخانه برخلاف بسیاری از کارخانه ها و ادارات که اخراج کارگران و کارکنان مبارز تحت پوشش «پاکسازی» انجام میگردد کارگران از فرمت استفاده کرده و توسط شورای منتخب خود گلکار را از کارخانه بیرون انداختند.

درد و سرکارگران مبارز تراش پیک مستحکم با اتحاد و همبستگی کارگران

## دستگیری نمایندگان

## مبارز شورای کارخانه دبسمان اصفهان

دراواخل مردادماه ۵۹ با سازمان سرما به دریک بورس و حسیا نه به کارخانه دبسمان اصفهان کلیه نمایندگان کارگران را بخدمت مراجع اصفاف برحق کارگران و مبارزه علیه کارفرمای مزدور دستگیر میکنند. لازم به تذکر است که کارفرمای مزدور، اداره کار و روبا سازمان علیه شورای این کارخانه زهمان ابتدای تشکیل تدش توطئه میگردند. مثلا چندی پیش که کارگران توسط شورای خود نظارت بر تولید را اعمال کردند، کارفرمای را لوصفت بکمک عوامل دولت علیه نمایندگان کارگران دست به تحریکات وسیعی زده و وعده ای از کارگران تا آنگاه در مقابل نمایندگان قرار میدهد. آنها تبلیغ میگردند که نمایندگان قصد دارند کارخانه را تعطیل کنند و این در حالی بود که نمایندگان هم تلافی خود را بکار میبردند تا از تعطیل شدن کارخانه جلوگیری نمایند!

سرانجام وقتی رژیم ضد خلقی حاکم و کارفرمای نتوانستند با حیل و فریب پشتیبانی و حمایت کارگران را از نمایندگان خود سلب نمایند، اقدام به دستگیری آنها کردند!

### کارگران مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی، اخراج، دستگیری و سرکوب کارگران آگاه و مینا روزا گسترده ترا ز پیش در دستور کار خود قرار داده است. بکشیم با اتحاد، مقاومت و یکپارچگی خویش برنا به ما می سرکوب او را با شکست روبرو سازیم.

## کارگران مبارز صنایع پشم اصفهان مدیر عامل ضد کارگرا اخراج نمودند

کارخانه صنایع پشم اصفهان ۱۳۰۰ کارگردارد. پس از دولتی شدن این کارخانه مدیریت آن بدست سرما به داری مزدوری بنام حداد سپرده شد. حداد میگوید با اخراج بی درسی محیط رع و و جنت ایجاد کند. وی با فشار آوردن به کارگران و خورنده های سنگین، آنها را تشنه استعمار می نمود.

کارگران که به تدریج به امید این نماینده رژیم جمهوری اسلامی بی برده و دریا فتنه بودند که وی روسای رژیم سابق فرقی ندارد، در پی اخراج او برآمدند. در این رابطه عدای از کارگران به شفقت در اواسط تیرماه ۵۹ در مقابل در کارخانه اجتماع کرده و با شعار مرگ حداد! زور واد و به کارخانه جلوگیری نمودند. بعد از این جریان حداد بسپار رکوشیدن با توطئه های گوناگون به کارخانه بازگردد. مثلا بیکار ساختن یک بعد از نیمه شب هنگامی که قدم داشت به کارخانه بسپار دیوسرای کارگران «خنراتی» کند، بسپار شعار مرگ بر حداد! از کارخانه بیرون انداخته شد. همچنین سعی می کرد که زداخل کارخانه به یک عواملش با ایجاد تفرقه و دودستگی بین کارگران و از خارج سوسله نماینده دادستانی دادگاه انقلاب مبارزه کارگران را با شکست روبرو سازد.

آخرین کوشش او در این زمینه این بود که بکمک عواملش در کارخانه اقدام به بستن درها و پنجره ها و پاره نمودن کارخانه تعطیل و کارگران از ترس بیکاری خواهان بازگشت او شوند.

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کمکهای مالی دریافت شده

۱۱۵۰۰	ق	۲۸۲۰۰	ح	۱۸۰۰۰	آ
۲۳۰۰	"	۸۰۰۰	"	۶۰۰۰	الف
۴۷۰۰	ک	۳۳۰۰	د	۵۳۳۰	"
۳۱۵۰۰	"	۲۴۰۰	ر	۷۲۳۰	"
۲۲۰۰	م	۴۱۵۰	"	۶۰۰۰	"
۳۶۴۰۰	"	۱۳۲۰۰	ز	۷۰۰۰	"
۱۱۱۱۰	"	۱۰۴۰۰۰	س	۲۵۰۰۰	"
۲۰۶۰	"	۱۱۰۰۰	"	۵۰۰۰	ب
۲۵۰۰	"	۵۶۰۰	"	۴۰۰۰	"
۵۰۰۰	"	۱۶۱۱۰	ص	۲۲۸۵۰	"
۸۱۰۰	"	۳۸۰۰	ض	۲۰۲۰۰	"
۱۱۵۰۰	"	۱۰۵۰۰	غ	۹۰۰۰	"
۶۰۰۰	"	۲۸۹۰	ف	۱۴۰۰۰	پ
۶۰۰۰	ن	۲۲۲۰	"	۴۱۸۱۰	پ ک
۲۳۰۰	ه	۶۸۰۰	"	۱۴۶۹۰	ج
۶۰۰۰	"	۳۵۶۰	"	۱۵۸۰۰	ح
۲۵۰۰۰	هک	۱۰۰۰۰	"	۲۰۰۰	"
۶۰۰۰	ی	۱۳۸۰۰	"	۶۰۰۰	"
		۵۰۰۰	A	۱۱۱۱۰	ی

- ۱ - رفقای کنا ورز (ی، الف و ع) ازورامین، مبلغهای ۱۰۰۰۰، ۵۰۰۰ و ۱۰۰۰۰ ریال کمکهای مالی شمارداشت کردند.
- ۲ - رفقای داستان امورهوادردآغا چاری، مبلغ ۷۵۰۰ ریال کمک مالی شمارسد.
- ۳ - رفیق م. م. مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی شمارسد.
- ۴ - رفقای فدرا سون محصلین ودانجویان ایرانی درفرانسه، مبلغ ۳۵۰۰ فرانک کمک مالی شمارسد.
- ۵ - رفیق هاداراسازمان درآبادان، هده شمارسد.

کارگران قهرمان جنرال استیل با همبستگی خود مانع اخراج رفقای مبارزشان شدند

مدیرکارخانه جنرال استیل عنمرضدکارگری است بنا برنعمت زاده که ازطرف دولت به این مقام منصوب شده است، وی که برای ایجاد رعب و وحشت و استخفاف بیشترکارگران با کوچکترین بهانه‌ای دست به اخراج کارگران میزد، روزپنجشنبه ۱۹ تیرماه به کمک کمیته باصطلاح پاکسازی چهار نفررا زکارگران میازاروا اخراج میکند. روزشنبه ۲۱ تیرماه وقتی خیرا اخراج کارگران مذکوربه گوش بقیه کارگران میرسد بطوریکه چاه دست به اعتصاب میزنند و خواستایان گذشت دوستان خود میشوند. نعمت زاده مزدور برای سرکوب کارگران دست بدمان با ساداران سرما به میثودا مسا همبستگی کارگران توطئه ورا با شکست مواجه میسازد بطوریکه ناچار به عقب نشینی شده و کارگران مبارز اخراجی سرکارهای خود برمیگردند.

کارگران مبارز جنرال استیل که با قدرت اتحاد خود مانع اخراج رفقای مبارزشان شدند اندک خواستار انحلال سندیکای فرمایشی و اخراج نعمت زاده و دیگر عنمرضدکارگر میباشند ■

شورای اسلامی کارکنان پخش طی اطلاعیه ای معین فررا ازوزارت نفت خلع نمود

ما هیاست که بنظر کارکنان مبارز برای جمعیت ترکیب ملی بعد از بردها و عینا سروا سندها میزبانسیم و رژیم مزدور را به نسل میکند ما از آنجا که اس عناصر بطور مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت مقامات رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، بنلان آنها بنا به طرح شکستری شمارتاورد.

بنظر کارکنان نیزمان که در سرچوردنا و اعمال سندرچ ارسو هضمان نسبت به ما حمایت اس رژیم کاسندها ست خود دست نکازیده و به اندامی انقلابی دست زدند.

شورای اسلامی کارکنان سخن بنسبال سنگنسل مجمع عمومی مورخ ۵۹/۲/۱۵ و مجمع اخذ شده در آن حکم تعلیق و اساکازی ددعفر از روسا و مدیران عالی را ضویت نمود. روز بعد هکما میگردد ددفر بندیگر مسخواستند به سرکار خود برگردند و روز و د آنها طوکتری بعمل آمد.

معین فرورسرخ سار از اطلاع از اقدام انقلابی بنظر کارکنان مبارز طی محاسباتی بنسارخ ۵۹/۲/۲۲ حکم تعلیق ددعفر از کارکنان سخن را که هکمی عموموزرای اسلامی کارکنان مسما سندما در کرد.

روز دوشنبه ۲۳ تیرماه ددعفر از عوامل رژیم شاه که اخراج نده بودند به سرکار خود بازگشتند. کارکنان مبارز بعد از معینان اعمی اس به ما زکشت اس ددعفر و سرمد و ر حکم تعلیق ددعفر از رسما سندما کسان دست به نظ هرات زدند. در اس روز همجنسین شورای اسلامی کارکنان سخن با اسما را اطلاع دای که ما تکریدر ب همسنگی و کوه دیکار چکی اس. معین فررا از وزارت نفت خلع نمود. در ضمنی از اس اطلاعیه آمده است:

ما توجه به اسات فوق شورابا کمال فدرت و طبق وظیفه شرعی و همگما ما با سار کارکنانهای اسلامی صنعت نفت صن خلع نما از وزارت نفت بخشابه قوی الدکورا مردودا اعلامی ما دارد. چه برای ما تعلیق اعمای شورای اسلامی هیچ معنی و تعمیری نخواهد داشت جز تعلیق یکی از دستاوردها و بهانه‌های انقلابی و ادعان به شکست در شمال اس حرکتی انقلابی. روز بعد (۲۴ تیرماه) معین فرورسنوان عکس العملی در شمال اطلاعیه شورابا و مدیران اخراجی را همراه با حدود ۳۰ سادار به سرکار می آورد. وی همچنین برای توجیه اعمال ضدکارگری و ضدانقلابی اش کارکنان بخش را جمع کرده تا برای آنها سخنرانی کند اما بنظر کارکنان مبارز در حالیکه در حلقه‌ای از ساداران حاضر شده بودند از زمان ابتدای صحبتها وی او بسا فرستادن طلوات و فریادهای الله اکبر ما نسع از سخنرانی او شدند. روز چهارشنبه ۵۹/۴/۲۵ یکی از نمایندگان عضو شورا که جزوده بشری بود که حکم تعلیق سنان ما در شده بود بخواست معین فرورسویط ساداران دستگیر میشوند. دستگیری اس کارگر مبارز اعترافش بیکبار چاه و گسترده شورا های بنظر کارکنان تهران را به همراه میاورد بطوریکه همانروز آزاد میگردد و با ردیگر اعجاز همسنگی و قدرت اتحاد و ستکل کارگران بنمایشگاه شسته میشود.

دندند. سرانجام در ما به مقاصد و یکبار چکی کارگران اخراج حداد قطعی شد و مدتی بعد فراتر است بزودی بکارخانه بهما بد!

بقیه از صفحه ۳

۳ بعد از ظهر بنیاد ددعفر از رسما ساداران حر سبره با مهای علوی و فرج مندی میروند. (فرج مندی بنسار از جزیره هم هست) ا هاب "نعمت زاده" ما را سنا با زاریان میخورد و در حسمه لاوان سحرانی میگردد. هکما مرقین اس هاب، دوسرما سادا رمدکورا ساسی عده ای از عینا سرمانا رزوح ترکیبهای نفت لاک سوو ریمنیکورا جهت "ساکازی" در احبنا زاریان سار میندند. اس دوسرما سادا راکارکنان و کارکنان مبارز ترکیبهای مذکور کشتهای عمیق بدل دارند. بنسوی که چندی پیش کارکنان مبارز خیرا اس سنجسل و کیرا تقیمت خارجی را که اسما را از طرف اسان وارد جزیره میسود و خرم کردند.

روز پنجشنبه ۱۹ تیرماه اس اصطلاح جمعیت جزیره را ترک میکند. در حالیکه حدود ۱۰ نفر از عناصر مبارز و آگاه ترک لاکورا تحت سوس "ساکازی" اخراج میسازد. اس هاب همجنس دوس از عناصر ضدکارگری شرکت ریمنیکورا را نمنه میکند که امکان سار کشت محدود آنها به شرکت سنا ز سادا است!

روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه کارکنان مبارز ترکیب لایکویطی یک گردمانی و سادور قطعاً مادی خواهان سار کشت عینا سرمانا رز "نعمت زاده" میسوند. اس عده در قطعاً به خود خطاب به مسئولین وزارت نفت صمیمی اعتراض بنسندیده بنسیم هاب ساساکازی اعلام کرده اند که اگر ظرف ۱۵ روز از اول مرداد ما به خواست آنها رسیدگی نمیسود دست به اعتصاب غذا خواهد زدند.

در ضمنی از قطعاً ما آنها آمده است:

"ما طی ۱۲ ماه گذشته مکررا از مسئولین خواستار اقدام قاطع و انقلابی جهت ملی کردن شرکتهای نفتی و اسسسه، صادره اموال امیرالسلیم آمریکا و بخصوص مجموعا مل مزدور رژیم سنا سنا رساه، اس جزویه ما دوددها سمولی سنا سنا کسوسون با ساساری وزارت نفت تحت سوشی انقلابی ساسکاری ادارت "پیش از آنکه عوامل مزدور را میرا سسیم وواستکان به رژیم بکشد شورا هدف حملات خود قرار داده اند. کارکنان و کارمندان انقلابی و شوراهای واقعی آنان را آماج تهاجم همه جا نمه قرار داده است و تعدادی از عینا سار انقلابی را که پیشینه سبارزانی آنان شهره همگان است ستمول اسن با ساسازی سمرعا دلانه قرار میندد. ما سندا اس عمل کمیسیون باصطلاح پاکسازی را محکوم کرده و خواستاریم که ظرف ۱۵ روز از اول مرداد مساه با حضور خود در مجمع عمومی کارکنان در جزیره لاوان دلایل خود را ارائه داده تا تصمیمات نهایی توسط مجمع عمومی کارکنان اتخاذ گردد. در غیر اینصورت پس از تقاضای مهلت با ندیده ضمن انجام کار دست به اعتصاب غذا زده و تصمیم گیریهای بعدی براساس رسیدگی یا عدم رسیدگی مسئولین را حق قانونی خود دانسته و مسئولیت عواقب آن بسه عهده مقامات مسئول می سنا بد." ■

کارکنان مبارز صنایع ... اما کارکنان با همبستگی خود بنس توطئه را نسنر خشتی نمودند. آنها بطور دستجمعی به اسبار ریخته و در آتزا با زگردند و به اس ترتیب مانع خوا سندن تولید

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



# خلق ها و مسئله ملی

## اخبار جنبش مقاومت خلق کرد

### انشای توطن‌های ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در مهاباد در دادگاه خلقی

بعد از ظهر ۵۹/۵/۲۲ توسط سازمان انقلابی زحمتکشان (کومله) دادگاه خلقی در مهاباد تشکیل شد. این دادگاه به تشکیل بافت این دادگاه به شکل کوه که بهش از سه هزار نفر در آن شرکت داشتند برای محاکمه دوتن از عاملین انفجاراتی که اخیراً در شهر مهاباد رخ داده است بنا می‌گردد. ملاح الدین شریف زاده و یوسف مهتری تشکیل گردید. ملاح الدین شریف زاده با اعتراف آزادانه خود در انفجار کومله و انفجار در ماشین پیشمرگان زحمتکشان، انفجار در میدان آزادی مهاباد و... شرکت داشته است. این فرد توسط سپاه پاسداران تبریز بدور «مواد منفجره ابدیه و مواد منفجره راه به شهر آورده و انفجار ریمبار در مهاباد دیده گرفته است مردم مهاباد را با اطلاع الدین شریف زاده را به اعدام محکوم کردند و طی به شرط اینکه او اطلاعاتی در مورد سایر انفجارات و... بدهد یک درجه از جرم آن کم خواهد شد. یوسف مهتری مجرم ردیف دوم بود که جرمهای سنگینی داشت و در هیچیک از انفجارات اخیر شهر مهاباد شرکت نداشته و دیگر بعد از پورش اول با پاداران رژیم همکاری نداشته است با توجه به این نکات یوسف مهتری به رای مردم آزاد گردید.

این دادگاه شکوه و عظمت خاصی داشت و برخلاف دادگاههای جمهوری اسلامی بطور علنی، توده‌ای و آزاد صورت گرفت، این آزادی تا بدانجا بود که تریبون در اختیار افرادی که متعلق ملاح الدین شریف زاده عامل بخشی از انفجارات شهر مهاباد می‌گردد قرار گرفت دادگاه‌های که بدون هیچ گونه سرکوبی، فرصت بیفاسد و شرط دفاع را به متهمین داده‌اند هیئت منصفه این دادگاه برخلاف دادگاه‌های سر بسته و غیر علنی جمهوری اسلامی هزاران تن از مردم مهاباد را با دیدن دادگاه در نظر گرفتن رای اکثریت تصمیم آنها به اجرا درآید.

● سبز ۵۹/۴/۲۴

### فرزندان مسلح خلق در شهر

شب هنگام پیش از بیست پیشمرگ فهرا ن وارد مهاباد شدند و در سه شبها سابق می‌شوند. پادارانی که در شهر مهاباد می‌باشند از این موضوع اطلاع پیدا کرده و وجود پیشمرگان را در آن محل به پادگان اطلاع می‌دهند. در این هنگام پیشمرگان سراسر محل را ترک

### تظاهرات انقلابی جوانان شهر

۴/۲۸ - در ساعت ۸ بعد از ظهر این روز عده‌ای از جوانان انقلابی شهر در میدان شهیدان با خواندن سرود و دادن شعارها پیچون بیژی هیری پیشمرگه پادارنسیت مه‌رگه و... انزجار خود را نسبت به هشت حاکمه و ارتش پاداران و حاکمانی مزدور رژیم پاداران دادند و از طرف دیگر پیشبانی خود را از پیشمرگان و جنبش مقاومت خلق اعلام کردند. این تظاهر کنندگان انقلابی بعد از ۲۰ دقیقه پراکنده شدند.

### حکومت نظامی

۴/۲۹ - ارتش ضد خلقی با اعلام حکومت نظامی از ساعت ۱۱ شب تا ۳ با مهاباد در سه منطقه دیگر شهر کرم آباد (مکتب اسلام قدیم) شهر با نیدیم (انتهای خیابان بهلولی) اومنوع آب (دفتر قبلی کومله) مقر گذاشته است. در ضمن هشت حاکمه ترسان از نیروی لایسزال توده‌ها نیروی پاداران خود را نیز در شهر افزایش داده است.

● آشنوبه ۵۹/۴/۲۷

### تهدید ارتش و مقاومت مردم

در چند روز اخیر لشکر ۶۴ ارومیه اعلامه‌ای در این شهر پخش کرده و در آن از مردم خواسته است که خلق سلاح نهند و اسلحه‌ها را زمین بگذارند و در غیر این صورت از سپاه پاداران خونخوار تقده برای سرکوب مردم شهر استفاده خواهد کرد. آری همان سپاه‌های که در قارنسا و قلاتان و... قتل‌عامها و غارتها نموده است.

در این روز سرعلیه‌ای اعلامیه و تیروه‌های سرکوبگر رژیم را بهیما می‌ای از طرف هواداران جنبش مقاومت ترتیب داده شده بود. در این تظاهرات مردم غیوراً شنبه شرکت کرده و با شعارهای خود مقاومت می‌نمایند و خواستار راندن و پیدین ترتیب هرگونه تیر و کاری را محکوم کردند. خطا هر کنندگان بعد از گذشتن از مسیر خیابان اصلی متفرق شدند.

● سبز ۵۹/۴/۲۴

### حمله پیشمرگان سازمان به جاشها

در این روز پیشمرگان سازمان پیکار در آبادی سرخ (در منطقه کلیانی از بخش کرمانشاه) برای دستگیری عده‌ای از جاشهای محلی که توسط دولت مسلح شده بودند میروند که با ورود پیشمرگان عده‌ای از جاشها می‌گریزند و بقیه نیز با پیشمرگان درگیر میشوند و خود را تسلیم نمی‌کنند که با آتش شدید پیشمرگان مواجه میشوند و ضربات سختی بر آنها وارد میشود در این درگیری که پیش از دو ساعت بطول انجام میداد تلفات دشمن اعلامی در دست نیست اما پیشمرگان سالم به پادارها می‌خورد و برگشتند و مورد استقبال شدید اهالی منطقه قرار گرفتند زیرا پیشمرگان دلاور خلق به مزدورانی ضربه زده بودند که کار آنها جز آزادی روادست مردم مهاباد را با دیهای منطقه (با خله - کانسخرو) نبوده است. لازم به یادآوری است که این اولین بار است که نیروی پیشمرگه توانسته است به این منطقه برود و به همین لحاظ روحیه مردم مهاباد را خوب تده است و از این عمل انقلابی پشتیبانی می‌نمایند.

● سبز در صفحه ۱۳

می‌کنند پس از خروج آنها ارتش ضد خلقی از پادگان مدرسه را به گلوله توپ می‌بندد. پیشمرگان پس از خالی کردن چند تیرا از شهر خارج میشوند. در این حادثه پیشمرگان زخمی و با کشته نمی‌شوند. این واقعه با ردیگر نشان می‌دهد که در بدترین شرایط اختناق و سرکوب نیز نیروی مسلح خلق قسا در به نفع خود در شهر است. امری که به خلق امید میدهد و آنها را برای مقاومت مصمتمتری نماید و از طرف دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم را بیش از پیش به لرزه می‌اندازد.

۴/۲۷ ساعت ۱/۵ - با مهاباد این روز در حوالی دکانیسات و جاشها آزادی پیشمرگان کومله به پاداران این منطقه تیراندازی کردند، طبق اطلاع حاصله در این تیراندازی که حدود یک ربع ساعت به طول انجامید، پاداران ۲ کشته و ۴ نفر زخمی برجای گذاشتند که توسط آمبولانس به بیمارستان حمل شدند. در این تیراندازی به پیشمرگان مبارز آسیبی نرسیده است.

### انتقال زندانیان به سنندج برای محاکمه

۴/۲۷ - ۱۵ تن از زندانیان سقزی که در ساواک شهر زندانی بودند توسط یک مینی بوس به سنندج انتقال یافتند. این امر ظاهراً برای محاکمه آنها توسط حاکم شرع؟! انجام گرفته است.



## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۱  
حزب ...

ما فکر میکنیم بیرونده دکتر بقا بی، این نوکس  
جیره خوار امپریالیسم، و نقض خاشا نه او در کودتای  
امپریالیستی ۲۸ مرداد بر علیه دولت ملی دکتر ممدی و  
تیزیفعلیت های خیانتکارانه و مزدوران او بر علیه  
نوده های زحمتکش خلق ما تا امروز، بقدری گویا،  
روشن و خالی از ابهام است و مظهر بقایی و "حزب  
زحمتکشان" بقا بی با بقا بی همان در خدمت با رجساع و  
امپریالیسم! افتا شده است که دیگر نیازی به بحث و  
مکتب پروری سیاست و عملکرد بقایی و حزبی وجود  
ندارد. به همین دلیل ما بدون اینکه تکرار مکتور است  
کنیم و در باره او رودسته رسوا و خیانت پیشه بقا بی وارد  
بحث شویم به نظر حسن آیت (این عضو سابق شوروی  
مرکزی "حزب زحمتکشان" و عضو کنونی شورای مرکزی  
"حزب جمهوری اسلامی ایران") نسبت به مظهر بقا بی  
رهبر "حزب زحمتکشان" و "تجدید و تجلیش از امپریالیسم:  
آیت در باره آن سخنان طولانی در جلسه دوم مرداد  
"مجلس شورای اسلامی"، چند دقیقه ای را معروف توضیح  
چگونگی ارتقا یابی "حزب زحمتکشان" و مظهر بقا بی  
میکند (وجه آگاهانه صحبت در این مورد را به پایان  
سخن موکول میکنم تا با باری حسن از محدودیت  
وقت صحبت، از گرفتار شدن در توضیحاتی که پیش از  
گذشته غودش را و در حزب متوجهش را افتا میکند، احتراز  
جوید، ولی قضیه آنقدر رسوا است که به هیچ طریقی قرار  
از آن ممکن نیست). او در آغاز و آنهم بسیار حلیه گرانه  
مظهر بقا بی را در خط آمریکا محسوب میکند و با قسار  
فادان این عنصر خود فروخته در کنار رهبرانها بی چون  
حاج احمد جواد و فروهر میگوید بقا بی خاش را از یک  
عامل سرسپرده آمریکا به کسی که در خط آمریکا است  
و با برای آمریکا قابل تحمل است نتزل دهد و بدین  
ترتیب از بار خانت و مزدوری بقا بی و شخص خودش  
بکا بی، با این حال، همین اظهار نظر و نسبت به بقا بی  
بطور غیر قابل گریزی شوربین حزب جمهوری اسلامی  
را در داد چنانا قی رسوا کننده ای گرفتار میکند.  
با این معنا که اگر هم قبول کنیم مظهر بقا بی در خط  
آمریکا بوده و نه عامل آمریکا، حسن آیت که از سال ۳۹  
تا ۵۵ عضو شورای مرکزی "حزب زحمتکشان" سر به سری  
بقا بی بوده، با استنادی گفته خودش در خط آمریکا  
قرار داشته یعنی در مقابل خلق و در برابر کارگران  
وزحمتکشان و بنفع آمریکا حرکت نمیکرده است. در حالی  
که او قیمت اینست که مظهر بقا بی و "حزب زحمتکشان"  
بمثابه یکی از شاخکهای مسموم و مخرب امپریالیسم  
آمریکا در ایران عمل نمیکرد و "حزب زحمتکشان" توسط  
خود آمریکا بی ها بوجود آمده و هزینه اش از طرف آنها  
و از کینه زحمتکشان ایران تا مین میهنده است. و مظهر  
بقا بی، "حزب زحمتکشان" و حسن آیت عوامل آمریکا و  
مزدوران این امپریالیسم غدا رسوده اند و نه اینکه  
صرفا بدلیل ما میهنان در خط آن قرار داشته باشند.  
حسن آیت سیر به "حوسی" های بقا بی میپردازد  
و جنبه ملی را که بر عزم و "بدی" های بقا بی را مطرح  
میکند مورد حمله قرار میدهد. او در خصوص "حوسی" های  
بقا بی مزدور، از "مبارزه" بقا بی در کنار کسانسی  
صحت میکند (این "مبارزه" که با مین کودتای  
آمریکا بی ۲۸ مرداد بود بر علیه حکومت مهدی صورت

مگرفت ما هیش زوشنرا راست که لازم توضیح باند)  
و بعد به اعتراض بقا بی نسبت به کاپیتالیسم و  
اناره میکند و در ضمن از حمایت بقا بی از آیت الله  
خمینی در سال ۴۰ صحبت مینماید. او بدین  
ترتیب میخواهد بگوید (و در واقع میگوید) که بقا بی  
جزو بیثرواتی بوده است که بر علیه آمریکا و دیکتاتوری  
شاه علم طغیان سزا فرشته است زیرا که او "اولین  
فردی بود که مدکا پیتا لاسیون اعلامیه داد" و "تیسز  
" اولین فردی بود که از لاسیون اعلامیه داد و در جمعیت  
تا ما م خمینی را به روحانیت پیشنهاد کرد" و بدین  
ترتیب با مخالفتش با کاپیتالیسم "مبارزه ضد  
امپریالیستی" "نجا داد" و با حمایتش از خمینی بر علیه  
دیکتاتوری "مبارزه" کرد! بنا بر این نه تنها چنین  
شخصی قابل مواخذه و سرزنش نیست بلکه شایسته است  
که از او تجلیل شود و خدماتش را تعریف و تهنیت  
شود! اما اگر کسی در اینجا از حسن آیت بپرسد که چگونه  
ممکن است کسی که در خط آمریکا قرار دارد بر علیه  
آمریکا و شاه (در آن زمان حمایت از خمینی یعنی  
مخالفت با شاه) "مبارزه" کند، بلا تردید آیت بی با  
پاسخ خواهد داد: بهمان دلیل که ما در شورای مرکزی  
"حزب زحمتکشان" بودیم و در همین حال بر علیه شاه، این  
مزدور آمریکا، "مبارزه" میکردم!  
ما در اینجا از توجه بیشتر به سخنان آیت در باره  
بقا بی در میگذریم ولی بصراحت میگوئیم که با  
نسبت به مظهر بقا بی ظلم عظیمی روا نده است! چرا که  
در حالی که شکر دارد و (حسن آیت) که نه اولین بار بر  
علیه کاپیتالیسم اعلامیه داده و نه اول نفری بوده  
است که در جمعیت ما خمینی را پیشنهاد کرده، نما بند  
مجلس خیرگان و سپس نماینده "مجلس شورای اسلامی"  
میشود و مهمتر از اینها به عضویت شورای مرکزی حزب  
جمهوری اسلامی در می آید و در در خط اما م قرار  
میکند، اما اسناد و رهبر همین شخص یعنی بقا بی،  
از این ترقات و پیشرفت ها محروم میماند. و اتفاقا  
چنین تبعیضی صورت گرفته است؟! آیا بقا بی نتوانسته  
خود را کمالا با شرایط روز وفق دهد و همچون آیت در خط  
اما م قرار گیرد، با اینکه ملحق در این بوده است که  
همکاری با بقا بی بطریق دیگری صورت پذیرد؟! جواب  
این سوال را قطعاً آقا بی نهی، رفسحانی و دیگر  
رهبران حزب جمهوری اسلامی میدانند اما ما با این  
ادعا بهمان تهمت میزنیم و خلاف واقع را بیان میکنیم؟  
هرگز. این بسیار ساده لوحانه و کودکانه است که ما  
صحت های حسن آیت را صرفا شخصی تلقی کنیم و قضیه  
را در یک فرد خلاصه نماییم، در حالی که آیت عضو شورای  
مرکزی حزب جمهوری اسلامی و یکی از شوربین های  
این دارو دسته ضد انقلابی است. آیت، کاندیدای حزب  
جمهوری اسلامی برای "مجلس خیرگان" و "مجلس شورای  
اسلامی" بوده است. آیت آنقدر برای حزب جمهوری  
اسلامی اهمیت دارد که حزب تمام نیروی خویش را بر کار  
گرفت تا در قضیه افتا ی نوارها و راه در برابر برتیا جات  
گسترده حزب ("اللیبرالها") حفظ کند. همچنین دفاع  
فراکسیون حزب از آیت در جلسه دوم مرداد مجلس شورا  
و رای مثبت به او و نیز درج نامی سخن آیت در  
ارگان حزب که در ضمن حاوی تمجید و تجلیل از بقا بی  
بود، حاکی از اینست که حزب از زبان آیت سخن  
میکوید و آیت برای حزب جمهوری اسلامی اهمیت

نقوت يك رفيق

رفیق شهید احمد مودن، یکی از مسئولین تشکیلات  
دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان در  
خوزستان، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۵۹ همراه با رفیق  
شهید مسعود نیالی، بحرم مقامت در برابر سرپرست  
ارتجاعی نهاد دانشگاهها، و به حکم مطلق "دادگاه  
انقلاب" هواز، تبریرا ن شد و به شهادت رسید. شعر  
زیرا رفیق احمد مودن در زندان رسوده و به همسر و  
همرنجیرش رفیق مسعود نیالی تقدیم کرده است.  
شعر را به خط خود رفیق احمد نیز زینت بخش صفح  
پیکار می کنیم.  
نقوت ما رفیق!  
نقوت یک طبقه است!  
که سنگینی پیکش مغز امپریالیسم را می گوید  
وزحمتکشان را به گرد پرچم خویش متحد میکند  
و تفنگش را به سوی عالمین سر مابنه شانه میگیرد.  
کین ما، مبارزه بی امان ما است!  
در راستی و صداقت به انقلاب!  
و نقوت به سیستم ضد خلقی سرمایه داری وابسته!  
که از انسان برده می سازد  
تا تفنگ بدست بگیرند  
تا با ساداری کنند سرمایه را!  
تا دفاع کنند رفقای!  
از سنگربرا افتخار زحمتکشان!  
تا پاره - پاره شود قلبشان  
از سرب داغ این عروسکان سرمایه!  
و فریاد زندانبانان مغفرت و کین  
زنده باد انقلاب! زنده باد خلق!

فراوانی دارد و بیغودی در حزب وابستگی حزب به او  
بسیار شدیدی قابل توجه است که البته این وابستگی  
بیش از هر چیز جنبه سیاسی و طبقاتی دارد. بنا بر این  
به هیچ وجه جای تعجب و سوالی نیست وقتی ما مواجه میشویم  
با آزادی بقا بی و گروهی دیگر از باران مزدور که به  
اتهام ارتباط با کودتای آمریکا بی اخیر دستگیر  
شده بودند، آنهم مدت کوتاهی بعد از دستگیری و در حالی  
که گفته خمینی کلیه شرکت کنندگان در کودتا باید  
اعدام شوند. به هیچ وجه کسی نمیتواند متکرارین شود  
که فقط حزب جمهوری اسلامی است که میتواند چنین  
با سهولت و سرعت بقا بی و بارانش را از دادگاه، زیرا  
هیچ کس نمیتواند این امر بدیهی و روشن را کتمان  
کند که شورایی قضایی، دادستانی انقلاب، دادگاههای  
انقلاب، کمیته ها و... در دست حزب جمهوری اسلامی  
اعوانش قرار دارند. و نیز توجه بسیار است که عملکرد  
- های حزب جمهوری اسلامی از بدو اعلام موجودیت این  
حزب ارتجاعی تاکنون، نه تنها ارتباط او با بقا بی  
و دارو دسته اش و حمایت از آنها را توضیح میدهد، بلکه  
همچنین صحبت تجلیل و بنفذه نظرات نیروهای  
راستین کمونیستی را نسبت به حزب جمهوری اسلامی و  
ماهیت خیانتکارانه آن بروشنی به ثبوت میرساند.

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



## رفیق شهید آنتی شهرام در نامه‌ای از زندان\*

سلام... تمیذام چند روزی از ما حراها شکی که در این مدت بوسه من رفتم است خیردارید، بطورخیلی خلاصه و فهرست وار (برخی از مطالب را تا آنجا که سطح محدودی که غا جزا زده‌دهیدون هیچ مقدمه و با حذف بسیاری از مسائل در اینجا می آورم):

۱- دستگیری من کا ملا نغافنی توسط فسرده تحریک شده ای صورت گرفت که در دوران زندگی مخفی جلوی مبارزه و مابیک مخفی کا هدا شتم و او بعد از طرف عنا صریحا و حزب اللهی ها فهمیده بود که یکی از افراد آنجا من بوده ام. محمدا قانا می که در با سنا ز سرچشمه خیاطی داد و توسط تا هیور (۱) که دوست او بوده و در ضمن از مخفی کا هدا مطلع بوده در جریان قرار گرفتن بوده است.

۲- بعد از دستگیری و تحویل به کمیته مرکز و بردن چشم بسته به یک نقطه مجهول و تهدید و سزا های بسیار و ایجاد یک مراسم عدم... به انفرادی قصر منتقل شدم.

۳- فکر میکنم در این فاصله همراهش محمد غرضی (۲) برده بودند که شناسائی کنند. بعد از ده روز به انفرادی های اوین منتقل شدم با هم موضع خوشنبار و توام با آزار شدند...

۴- آخر شب ۲۶ تیر (۵۸) بیک خانه مخفی برده شدم. کوچولی (۳) مرا تحویل کسی داد که بعدا فهمیدم اصغر صباغیان (۴) است و او در آن خانه مخفی، بطور مشخص اما ظاهرا مخفی رهبری با زوجی مرا پمده داشت.

۵- در زندان خصوصی آن خانه که یکی از خانه های امن ساواک با... (۵) ظاهرا غوثی بود در شرایط بسیار سخت و توام با فشارهای گوناگون ۳ بار با زوجی ندیم که به هیچیک از سئوالات مربوط به فعالیت انقلابی گذشته خود و دستکلیات پاسخی ندادم زیرا بدلیل گوناگون و از جمله بدلیل ماهیت سیاسی موضوع مورد تحقیق آنها. چنین تحقیقی در ملاحیت آنها نبود (۵).

۶- در این مدت دو بارها دوی (۶) شخصا بملاقات آمد. او شخصاً فرد بسیار ساده ای است (از نظر سیاسی) و علیرغم نما بلیش دمیفا در اختیار با ندیسوا استفاده گزانی کا خاطره ای کرده بودند فراداشت. یکی از روش این با اندام صباغیان) و محمد غرضی بودند که بعد از آمدن قدوسی اوت شدند.

۷- هدف شدید همه آنها طبیعنا سه موضوع بود. الف- کسب اطلاعات از سازمانهای انقلابی چپ، ب- بدست آوردن زمینه و مدرک برای تبلیغ علیه معاهدین مخصوصا در منظور قراردادن من که با یاد

(ب) آنچه میخواهند فسمشائی از یک نامه است. اوادی که به بدلائلی حذف شده بقطه چپ و آنجا که خوانده شده تلا من سوال دیرا شریحی آن آمده است. با ورفی ها از پیکار است.

که بعدا فرمانده سنا هدا سنا از ان فسرده او هم با نامه فردی بنام مسما "تمذ" در نامه غرضی - "اصغر صباغیان" بودند.

۱۷- در تمام این مدت ۲/۵ ماه از دادن حتی یک گریز هوا خوری محروم بودم. در آن خانه مخفی و سنا در سنا چالها شکی که بودم حتی شخصی روزا ز سنا امکان نداشت نبود.

۱۸- در آن زندان قدوسی بیکار و بدعت گویا کس با من ملاقات کرد و گفت به مطلع سنا نسیب کس کس در داد کا ملاحیت را رد کنید!

۱۹- در تمام این مدت به لحاظ بیسی مده سنا ز حساس در جامعه مثل استخبارات مجلس حیرکان با بحرار او اخر... (۲) آنها قعدا استناد این موضوع را در آنجا بحیو حدها داد کا هدا و رده و اسفا ده لازم را بکنند. اما سنا هریا ر بدلیلی امکان پذیر شد. البته معاومت خود بر تا کنون نقش اساسی در این جریان داشته است.

۲۰- در شب ۱۰ بهمن به انفرادی های اوین منتقل شدم. لان نیز در انفرادی های قدیم همان ما که در سال ۵۰ زندان بودم مینها یک سلول دیکس بر حبس شتم.

۲۱- سوا زات شدید مابا رزه طفا نی و ایدئولوژی در جا معه، بخصوص شدید کینه و اضا عجیب کرو هسنا ز خاکم علیه معاهدین و جیبی ها فشار آنها بر من زیاد شده و توسط آنها برای پرونده سازی علیه من مخصوصا که با فقدان هر گونه نقطه ضعف علیه من من روسر شده اند کس ترش بیشتر می با بد.

۲۲- بعد از همکار ری شرم آورانها با احمد رسنا کریمی که هنوز نیز در خدمت آنها است و حتی ده ای در پیشنها دکرده بودند او را به کرد سنا برای بارتر ببرند با امر شرم آور دیکری در اینجا روسر و شدم.

۲۳- "اصغر میرزا جعفر علاف" (۹) کسی که در سال ۵۶ خود شریا به پلیس معرفی کرد و در اول سال ۵۷ اثر تاریخ را اشتباه نکتم (طی یک معا جبهه فرما بی استوا فحنها را سنا را انقلابیون کرد در اینجا همرا کجوش (وبا یک ضبط صوت مخفی در جیب کوچولی که در آن کس آنرا کشف کردم) شروع به با زوجی و توهمین سوال از من کرد...

۲۴- او انواع نهیمتها و دورو غهای شاد ارا کند جتی یکساواکی نیز حاضر به طرح آنها علیه مادر سنا شدند. خود نبود (بدلیل اینکه بیشتر خود شرا رسوا میکردند. مطرح کرد. (از جمله اینکه مثلا ما ۳ نفر رفتای شیت خودمان (۱۰) ارا در میدان سنیر به پلیس رسو دادند بودیم! و خیلی ارا جیف دیکر.

۲۵- آنها در آسنا به استخبارات با زهم نندد است این موضوع را علم کنند که بدلائلی سوا سنا.

۲۶- پس از چاپ حساب شده "نا مشرف وان ش" در بعدا علامیه کا ملا مقرفا نه داد سنا بی بدون نام برده از شکلیات به آن طرز مسئله را طرح کرده بود و در اینجا که پشت قضیه کا رمی کسند شروع به ارا اندا سنا

خانواده شهیدایی که از طرز سنا دت فراد سنا در حس ندا رند کردند که با بند علیه من شکایت کسند. ارا سنا مسئله یک نمونه سنا در آن خانواده مریضی خاوسی (۱۱) است با خانواده حسنا (۱۲) که دمیفا آنها را سنا ند کرده اند که با بند شکایت کنند. آنها دیکر ارا سنا

بتوانند این "تعمیل فتا رها و آرا و ادیت سنا" تکنجه های مسترروانی که در هر نسیما عت بیکار و جرت اعدا مابا رسنا معجم کسند مابا شرم کرده و با سنا در مقابل معاهدین خلق فراد سنا امید ده است

از خود موار ز کشته شکلات در زمینه تغییر و تحول ایدئولوژیک دفاع کنم که خود مستقیما حاوی... (۲) و انتقادات وسیع ایدئولوژیک علیه معاهدین بود و با اینکه سکوت کرده و کا ملاحیت محروم شدم - استقامت جوئی و کسب مدرک (۷).

۸- این سه هدف هنوز هم با شدت بیشتر علیرغم تعویض گروهی که من در اختیارش هم به فوت خود باقی است.

۹- گروهی که من در اختیارشان شتم با سنا وابسته به حزب جمهوری اسلامی و معاهدین انقلاب اسلامی هستند و کا لب است که زمان هادوی هم با تحویل من به اصغر صباغیان (مواقی شیده اند).

۱۰- در شهریور به زندان مخفی دیگری که البته بعدا علیرغم همه احتیاطات آنها فهمیدم یکی از پادگان های لویزان است. منتقل شدم.

۱۱- بیکار دیکر در آنجا با زوجی شدم و با هم در جواب ملاحیت را مغلط رد کردم.

۱۲- در این زندان، فرد کشف خود فروخته و بسیار خطرناکی را بدون آنکه من او را و هویت اصلی اش را شناسم با مور کردند که از من اطلاعات کسب کنند. سنا م اصلی او همان احمد رضا کریمی فرد بسیار رکش و خاش معروف اما بسیار با استعداد و مطلع از گذشته سازمان ها بود. به من او را بنام احمدی، عنمر داد سنا و با سنا را انقلاب معرفی کردند.

۱۳- آنها کا ملا و همکاری میکردند و با سنا در دیکر همان استفاده ای را که ساواک ارا و میکرد حال اینها میکردند. بیرونده ها را در اختیار او میگذارند و او با توجه به شناسایی های قبلی اش که در جزایران کار در ساواک بدست آورده بود بسیاری از آنها گزارش تهیه میکرد.

۱۴- حتی به احتمال زیاد در با زوجی هیات تحریریه آیندگان نیز شرکت داشته است (بدون آنکه آنها بفهمند)

۱۵- او چهره انقلابی و مخالف دستگا به خود می گرفت و طی ۲/۵ ماه انواع کردها را با کس برسد و عاقبت با رو شدن دستش بعنوان تکنجه گرو و انسی مشغول بکار شد (۸).

۱۶- در این مدت کسان دیگری در ملاقاتهای رسمی با غیر رسمی با انواع تهدیدات به تکنجه روانی من - پرداختند. از جمله این افراد کسی است بنام "ظارمی"

بنا بر این با توجه اینکه واقعا تمام سوابق و پیوندهای قطور درسا واک و دادرسی ارتش افتخار آمیز و کسب از یک مبارزه آشتی ناپذیر طولانی است در صدد برآوردن انداختن تبلیغات دروغ و تحریف آمیز و این نوع پیوندهای سازی شده اند.

۲۷- مثلا "اعلامه ای جاب کرده بودند تحت عنوان "ما زمان نیکار را شناختیم" و با اصطلاح افشاکری علیه من که منظر را زد و روغهای آنکار آن از جمله اینکه فرار من را با واک ترتیب داده بود که این اعلامیه را اولانم اتفاقا اصل آن و ستیزه‌گرگی از آنرا در دفتر زندان مخفی دیدم (برای معاینه بزرگ در سبک وضع اورژانس بدفتر بریده بودند) و جالب عکس من بود روی آن - این عکس منحصر بفردی است که ما واک در سال ۵۵ در اطراف حسینی از من گرفت و واضح است که تنها می توانست در آرشویوما واک باشد، آرشوی که اینک تمام و کمال در سلطنت آباد و زندانها با ساران، آقایان منموری (جوادی)، ستارشی، حاج محسن رفیعی دوست و دوزدو زوانی است (۱۳) و از اینجا منشا این تبلیغات کا کا ملا بدفتر بریده می شود - با تبلیغاتی که در روزنامه ما خود سپاه علیه من راه انداخته اند که البته شنیده ام و ندیده ام ولی جالب است که آنها از یک طرف زندانها، از طرف دیگر با جزو قاضی تحقیق و از طرف دیگر رفیق سیاسی ایدئولوژیک... من هستم!

۲۸- آخرین توطئه قضیه کا کا ملا "دروغ دستگیری کا کا" است. کیهان در روزهای اخیر صفحه اول نوشت که کا کا ملی سرباز جوی معروف سا واک دستگیر شد. در حالیکه و در آذر ماه دستگیر شده و تمام فرادیند این را میدانند. در این مدت روزانه ساعت عزت ناشی (۱۴) و دیگران او را آماج کرده اند که بر ما می مانند شهرانی علیه نیروهای انقلابی متخاصمانا همدین خلق و مخصوصا در راه پلها با قسبه تشکیلات ما اجرا کنند. نحوه خبرها مگر در وقت کنیبدیه رابطه کا کا ملی (که اسم اصلی اش کا کا نگراست) با ما همدین بعنوان شکنجه گرانها که طبقا اطلاعات زیادی از آنها در دانا کید داشت.

تاریخ نامه فروردین ۵۹

### (پاورقی ها)

(۱) - منظور خاش خود فروخته احد احمداست که در آن زمان در راه سپه سمیاتی با زمان قرار داشت و پس از آن که در سال ۵۳ دستگیر شد خود را در خدمت سا واک قرار داد و بیژوی برای خیانت به انقلاب و لوداد و نفعیبت مبارزین از زندان آزاد شد. همین شخص است که در بیدادگای که رفیق شهرام را با ملاحظه محاکمه کرد، و قیحا نه ترین همسپا را به رفیق شهرام و دوگسب انقلابیون و سا زمان مجاهدین خلق بست داد. اینکه رژیم جمهوری اسلامی برای اثبات "حقانیت خود دست به دامان همکار سا واک و خود فروختگان نظیر احمد صفر میرزا جعفر اعلا و احمد را کریمی و بهمن شهرامی... میزند. تنها یک چیز است که می کند و آن اینکه این رژیم در صف مقابل خلق و در غلظت مقابل نیروهای انقلابی قرار دارد.

یکی از مطالب بد روغین وردیلانهای که احمد رسیدادگا به رفیق شهرام عنوان کرد این بود که گویا بن رفیق شهرام و رفیق سیاسی بر سر سا زمان ندهی رفیق شهید قاضی فرتوک زاده اختلاف بوده است در جلی که رفیق فرتوک زاده (همسرا) و احد احمدا از ما نمی مخفیند (سال ۵۴) که رفیق علیرضا سیاسی در خراج کشور

بود. و زمانی هم که علیرضا نه ایران با زکنت رفیق فرتوک زاده در ارتش راهای حسی و روحی ناشی از پیشی چرکی مناسفا نهد به خود کشی زده بود (آدرما ۵۵) و جدوی نریدت سا واک افتاد از رفیق سیاسی در دی ماه سال ۵۳ به خارج رکتور رفت و در تاریخ مهر ۵۶ به ایران بازگشت تنها راهی که از نظر تشکیلاتی بین علیرضا و احد احمدا و رفیق شهید فرتوک زاده بود، این بود که رفیق سیاسی اینها را از طریق یک رابط سمیات به تشکیلات معرفی کرده و به خارج می رود و ایندو در آن زمان و حدود یک سال پس از آن در راهی غلظی و سمیاتی با سا زمان قرار داشتند و هیچ وجه مخفی نبودند اما مسئله سا زمان ندهی مخفی مطرح گردید در همین دادگاه احد احمدا تنها همسپا زمان وردیلان تری را نیز مطرح کرد. و عنوان کرد که رفیق فرتوک زاده خود کشی نکرده بلکه دست رفیق شهرام به شهادت رسیده است! اینها موی آنچنان سا واک احمد را به دروغ بود که حسی سا واک نیز با یکرا را نکرده بود و حتی بیدادگا به انقلاب اسلامی میرا نتوانست بیدرد.

(۲) - محمد غرضی، استاد فارغ التحصیل خوزستان و یکی از مسئولین وقت سا زمان سپاه با ساران بود که رفیق شهید شهرام او را در آن ماهی دنگرو با اشاره به گذشته اش چنین معرفی می نماید:

"باری دادگا ما تشکیل شد (منظورا ولین دادگا دستجمعی با زده بغیر از ما همدین خلق در زمستان سال ۵۵ است که در آن ۴ نفر اول تا مرصادق، علی میهن- دوست و محمد بازرگانی و مسعود رجوی برایشان جگم اعدا و متفا شد. شهرام منمهر رفیق بود و محمد غرضی آخرین نفر). اما با باران رزمنده ما بیدادگا هتا هلا دادگاه را به دادگا محاکمه رژیم و اربا با نش تبدیل کردند. اخبار دادگا به طور و خوشنما کی تحریف شده در مطبوعات منعکس می گشت. با این وصف حتی کلمات و جملات گویا می که به حقیقت در میان آن همه تحریفات منعکس میگردید آشتی در ما معوق در قلبها و افکار نیروهای جوان و پیشرو ایجاد میگرد.

"همه ما سفیرا از آخرین نفر (محمد غرضی) که در واقع از ما نبود و در طی سالهای سال، علیرغم دوستی- های قدیمه اشنگای بار فراقی مسئول در تشکیلات ما همچنان خود را از ما رزه و تشکیلات کتا رکنیده بود و در نتیجه در ارات رژیم به مدیر کلی و مقام موم منصبی رسیده بود، ملاحظه دادگا هرا در کردیم. در ملاحظه دادگا خود کا می سود تا با سخ دندان شکنی بینه پیشنها دات بی شرمه آن گرگها و اربا با نشان بده در جا لیکه دعای سمیاتی و در واقع شهاجات سیاسی و ایدئولوژیکی با باران ما که دیگر جای خود داشت... منمهر رفیق آخر با زهم ملاحظه دادگا هرا تا بید کرد. او ندیه کرد. البته اس کرد. قسم خورد - که حتی جی به قسم همدانست - که هیچگاه راه است. با حالت تضرع آمیزی نیز اردادگا به طلب بخش کرد. او را تشریح کردند و عیبا و نایده چندان عیب، بعد از "پیروزی انقلاب" و در رژیم جدید چسب فردی در اس یک سا واک عدید، دست و نظا و تعرض رون فرزندان آبت الله هلا فاتی دراز کرد و در حالیکه دشمن امیلی هنوز پای در قلب مهمن دارد و مردم هنوز و شاید تنها یکی از هزاران رشنه های اسارتی را استمنا و روبردی را از دست و پای خود پاره کرده با شند و هزاران هزار رشنه دیگر هنوز پای است، او به توطئه برای رودر و قرار دادن نیروهای انقلابی خلق پرداخت. باری او در آرزوی تا بی دی ملاحظه... دادگا ه، نه تنها به حیثیت سا زمان سیاسی و انقلابیون لطمه و در شکل یکپارچه ما را بضع تبلیغات سو رژیم

(شاه) مخدوش نمود بلکه در واقع ملاحظه کسانی را که دستشان تا ارتخ غرقه در خون جوانان و رزمندگان وطن بود و در کشتار با زهم بیشتر اس مبارزین از جمله صدور حکما عدا ۴ نفر هم رزم هممهر رفیق اول تا بید میگرد. واقعا چونیکو بود بعد از هرا نقلاهی پیرونده زندگی کسانی که ما زده را اس قدرت قرار میگردند آشکارا در مقابل مردم کشنده میشد و مردم می فهمیدند که چه کسانی و با چه کارنامه ای زما ما مور آنها را بعنوان انقلاب درست گرفته اند."

(۳) - رئیس فعلی زندان اوین  
(۴) - اصغر صباغیان (برادرها شمسغان و وزیر کشور دولت بازرگان) از مسئولین اولیه سپاه با ساران می باشد. او در اقدامات کینه توزانه ای که پس از واژگونی رژیم شاه علیه نیروهای انقلابی کمونیست و غیر کمونیست یکا رفته سهم قابل توجهی داشته و هم اوست که در توطئه علیه خلق کرد و خلق ترکمن پیشقدم بوده است.

(۵) - رفیق شهرام تا پایان بر روی این موضع گیری انقلابی ایستاد و "دادگا ه" را نیز به هیچ قیمتی بر سمیت نشناخت و حتی آموخته و انقلابی را در این باره پایه گذاری نمود. با دش گرامی می باد.

(۶) - محسن هادوی در آن موقع "دادستان کل انقلاب اسلامی" بود.

(۷) - رفیق شهرام هرگز تسلیم این خواستهی سا واک کونه و فدا نقلاهی شد و رژیم جمهوری اسلامی را در راه انداختن کارزاری علیه مجاهدین خلق، بنویسه خود سا کا گذاشت. او نشان داد که چگونه مرزا نقلا و ضد انقلاب را همواره - و لویقیمت جانش - حفظ می کند.

(۸) - همین خاش - احمد رضا کریمی - اینروزها به انجام ما موریت خیانتکارانه دیگری مشغول است و مانند سابق که در خدمت سا واک بود و در ما حبسه تلویزیونی در کنارناستی علیه مجاهدین خلق به لجن پراکنی پرداخت اینبار همان را در خدمت خرده بورژوا - ها و بورژواهای بقدرت رسیده جمهوری اسلامی - علیه مجاهدین خلق انجام میدهد. او "دادستانی انقلاب" ادعا میکند که او عضو مجاهدین خلق بوده که دروغی بیش نیست و احد اکثر در راه پلها هواداری قرار داشت همچنین او ادعا میکند که با شهید سعید محسن آشنا بوده و با عرفا بخا طرا نیکه ما رفیق تراب حق شناس را بمیان آورده امی کند که این رفیق زمانی تا گسرد پدرش بوده است. اینها هیچک صحت ندارد و آوردن این اسما جز برای بزرگنمایی و زمینه سازی جهت انداختن توطئه علیه مجاهدین خلق نیست. در اینجا هم با زاستعمال رژیم جمهوری اسلامی را با بیدید که چگونه برای لوٹ کردن نیروهای مترقی و انقلابی به چنین خاشی متوسل می شود.

(۹) - در باره خیانت اصغر میرزا جعفر اعلا طی گزارش مفصلی که از "کارزار دفاع از تنقی شهرام" در شماره های آینده پیکار خواهم آورد صحبت خوا شد. همسفر بگویم که او کسی است که در زمان رژیم شاه خاش و در حالیکه در ارتباط با بخش منشعب ازس.م.خ بود خود را به پلیس معرفی کرد و سپس پشت تلویزیون آمد و خاشا نه علیه انقلاب و نیروهای انقلابی سخن گفت و برای شاه حدشنا گفت و سا واک نیز پس از آزما بیش خیانتکاری وی او را مدتی بعد آزاد کرد.

(۱۰) - منظور رفقای شهید جمال شریف زاده شرازی، جمال موسوی قمی و طاهره میرزا جعفر اعلا (خواهر اصغر) است. شرح زندگی مبارزاتی و شهادت آنها در بقیه در صفحه ۱۱



## نگاهی به مصاحبه مدنی با کیهان افشای جبهه ملی و مدنی از جانب حزب جمهوری اسلامی و ماهیت آن

تا هدی که ما این انقلابیون کمونیست و تنها انقلابیون کمونیست بودیم که بی معا و با تمام توان و امکانات خود به افشای ماهیت سازندگان و نه غیبا ننگار آنسه دولت موقت پرداختند و متهمت ها و فحاشی ها زندانها و اعدامها را از طرف دولت و شرکا بش جان و دل خریدند ولی از افشای واقعات در پیشگاه طبقه کارگر و توده ها و آگاهان نیندن آنها با زنا پستاندند. در مورد شخص مدنی که یکی از عناصر مهم دولت موقت بود (در آن زمان زور و دفاع و سپس فرمانده نیروی دریائی)

- زمانیکه تضاد لیبرالها با جناح حزب جمهوری اسلامی حدت و شدت زمان حاضر را نیافته بود هرگز حزب صحتی از ماهیت آمریکائی جبهه ملی نمیگردد. ابعاد مدنی، این جلاد خونخوار خلق عرب، مورد انتقاد و حمله قرار نمیگرفت.
- تضاد بین جناح حزب و جبهه ملی، مدنی و کلیه لیبرالها از مقوله تضاد بین انقلاب و ضد انقلاب یا خلق و ضد خلق نبوده بلکه تضادی است در داخل جبهه ضد انقلاب و ضد خلق

استاندار غوزستان. چند ماه پیش بود که ما (بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی) در همین نشریه در مقالاتی تحت عنوان "مدنی کیست؟" گوش کردیم ما بهت خائسانه مدنی را به توده ها بشنا ما نیم. افشای ماهیت کتشف مدنی و مدنی ها از جانب ما و سایر کمونیست ها همزمان بود با حمایت کامل دولت و حزب جمهوری اسلامی. از اقدامات و اعمال وحشیانه و فاشیستی مدنی جلاد در قبال خلق عرب و مردم میا رز و آگاه غوزستان، آنزمانیک مدنی مزدور در جهت منافع جناح حزب بود و سرکوب توده ها اشتغال داشت، از نظر حزب نه و آمریکا شی و مزدور بود و نه جبهه ملی که مدنی یکی از اعضای می - بود با شد در خط آمریکا قرار داشت. ولی اکنون که مدنی و جبهه ملی سرد کرده اند و در مقابل حزب همراهِ بسا دیگر لیبرالها قد علم کرده اند و حاضر نیستند همزبانی جناح حزب جمهوری اسلامی را بپذیرند (زیرا که در واقع با زما می نظام سرمایه داری وابسته را در رسالت خود و دیگران می بینند و حزب و اعوانش را فاجده جنبش رسالتی دانسته و روش و سببش آنها را جهت این باز - سازی (پوسیده و کهنه رزیا بی میکنند) - مسزور ار آمریکا شده اند.

اما بهرحال سیاست فریبکارانه حزب جمهوری اسلامی و اعوانش نسبت به مدنی و جبهه ملی، یعنی تا شید گذشته و تکذیب کنونی اش را آنها هرگز نمیپذیرند و تنها بدنامی از ندادن و سیاست افشاگرانه اصولی ما و دیگر کمونیستها در برابر کلیه مترجمین و اجملعه مدنی و با رانش در جبهه ملی باشد. به عبارت دیگر واضح است که جناح حزب و لیبرالها بخاطر تضاد مدنی که در چارچوب ارتجاع حاکم با یکدیگر دارند. بخاطر تضاد مدنی که در اعمال همزبانی بر یکدیگر در هیئت حاکمه دارند. بخاطر تضاد مدنی که در شیوه برخورد نسبت به با زما می نظام سرمایه داری وابسته و مدبریت آن با یکدیگر دارند. بخاطر تضاد مدنی که در شیوه و چگونگی برخوردشان در مقابل توده های مبارز خلق با یکدیگر دارند. ... میگویند با نوا مختلف و در مواقع مبین بر علیه یکدیگر اقدام کنند و با فتای هم بپردازند. (البته ما ملحوظ داشتن این امر حیاتی و مهم که بر خورد آنها با یکدیگر و جنگ قدرتی که درگیران هستند در هر ای به کل هیئت حاکمه

انقلاب و ضد انقلاب یا خلق و ضد خلق نبوده بلکه تضادی است در داخل جبهه ضد انقلاب و ضد خلق و پرخاش آنها به یکدیگر حتی اگر ظاهری مترقیانه و عفو آش و برترنگ داشته باشد از موضع دور قنبد ضد خلقی انجام میشود. اما اگر عملگرده جناح حزب در قبال "لیبرالها" اینگونه بوده است و بعد از هفتگی و هم خطی کاملاً روشنی با آنها، اکنون به بخشی از آنها بدین صورت و با ماهیتی که فوقاً ذکر شد حمله برده است، نیروهای انقلابی و شادبختان گفت صرفاً انقلابیون کمونیست

از قبل از قیام مبهمن ما به افشای همه جانبه ماهیت غیبا ننگارانه بورژوازی لیبرال پرداخته و از زهر فرصتی برای تبلیغ و ترویج نظرات خود در این باره بهره می جستیم کمونیستها بدرستی مطرح میساختند که بورژوازی لیبرال اعم از مذهبی و غیر مذهبی (چپ - سنجایی و جبهه ملی اش و چه با زرگان و نهضت آزادی - اش) مخالف انقلابند. مخالف سرنگونی رژیم سلطنتی میباشند و حتی بعضاً مخالف سرنگونی شاه هستند. آنها فقط خواهان رفرف هستند، خواهان این هستند که سهمی هم برای آنها در قدرت منظور شود، خواهان اینند که فعلاً در دراستشما خلق شرکت کنند. خواهان این میباشند که دیکتا توری از کرده آنها (و فقط آنها) برداشته شود. خواهان این هستند که شاه سلطنت کند و نه حکومت و نگرانند که دیکتا توری با ندشاه، حیات کل نظام سرمایه داری وابسته را بخراند از دست کمونیستها ماهیت غیبا ننگارانه بورژوازی لیبرال را نه صرفاً بخاطر ما و کی بودن فلان کس از مبهمن جبهه ملی سا زمان بورژوازی لیبرالی، همان کاری که ما اکنون جناح حزب انجام میدهد (بلکه با توجه به سیاست عملگرده و ماهیت طبقاتی آنها نشان میدادند. و برای توده های خلق در هدا مکانات و توان نشان غلبه بورژوازی لیبرال برای انقلاب را تشریح می کردند. این در حالی بود که کلیه تئوریها و روشی که اکنون جناح حزب را تشکیل میدهند بنا بر ماهیت طبقاتی شان با لیبرالها نرد مصلحت می نباشند و با زرگان و امثال او را به مثابه نمانندگان موشق خود به مذاکره با رژیم شاه و هوپوز آمریکا شی می فرستادند.

بعد از قیام مبهمن ما هووا ژگونی رژیم سلطنتی بدست توانای توده های میلسونی خلق نیز موضع کمونیستها نسبت به بورژوازی لیبرال منضم و صریح بود. اما در همین زمان با زرگان از طرف آیت الله خمینی بعنوان نخست وزیر موقت برگزیده شد و او را از او اجب گردید (۲). همه دیدیم که دولت با زرگان چه غیبا ننگاری را نسبت به خلق مرتکب شد و با زهمه (۱) - بنی مدره منوعی دیگر همین مضمون را بیان میکند. آنجا که حزب و اعوانش را زمینه ساز کودتا و در واقع همدست کودتا چنان معرفی میکنند.

این روزها، بویژه بعد از کودتای بخشی از عوامل آمریکا شی ارتش جمهوری اسلامی، تبلیغات گسترده ای بر علیه جبهه ملی، این ما و ای تعدادی از سرمداران بورژوازی مفلوک ایران، از جانب حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش صورت میگیرد. در این میان لبسه تیز حمله در کارها صلاح جبهه ملی، بیشتر از هر کس متوجه شخصیت محبوب حکومت جمهوری اسلامی در گذشته نزدیک یعنی دریا ما لارا عدم مدنی میباشند. اینها جما ت و حملات از طرف جناح حزب، علی الظاهر از یک پایگاه "مردمی" و "فدا میریالیستی" انجام میشود و مدنی و با رانش بعنوان مزدوران آمریکا و کسانیکه تا مین کنند منافع امیز با لیبرال آمریکا در ایران میباشند مورد انتقاد جناح حزب قرار میگیرند. اما این فقط ظاهر قضیه است. ماهیت واقعی قضیه را باید در چارچوب مبارزه قدرت بین جناح حزب و طبقه

"لیبرالها" مورد بررسی قرار داد. بخاطر دریا ریدز ما نیکه تنها دلچسبها با جناح حزب محض وقت زمان حاضر را نیافته بود و حزب و لیبرالها با آموگی خاطر بیشتر در گنا رهم به اعمال ضد انقلابی خود مشغول بودند. هرگز صحتی از ماهیت آمریکا شی جبهه ملی نمیشد. ابتدا مدنی، این جلاد خونخوار خلق عرب مورد حمله قرار نمی گرفت. آنزمان "گنا طصیت" و "گرایت" مدنی برای تحکیم پایه های حکومت جمهوری اسلامی لازم و ضروری بود. در آن موقع برای سرکوب وحشیانه خلق عرب به وجود عنصر فاشیستی چون مدنی نیاز مبرم بود. در آن هنگام از نظر حزب، مدنی در خط اما و طریق اسلام بود. اما وقتی تضاد حزب با لیبرالها روبرو شد گرفت. هنگامیکه مسلمین تحکیم کامل جبهه ملی و خصوصاً شخص مدنی ملاحظه شود حتی سرکوب مدنی و تشکیل آنها رزیا فاش، بویژه هنگامیکه مدنی با حدود سه میلیون رای در انتخابات ریاست جمهوری در مقابل حزب و کاندیدایش سینه سپر کرد، دیگر "بدریج" ماهیت وابسته و آمریکا شی جبهه ملی و مدنی برای جناح حزب هویدا شد! بطوریکه اکنون دیگر نه فقط جبهه ملی و مدنی، بلکه بنی صدر و کلیه کسانیکه روزی عضو از اعضای جبهه ملی بوده اند، خارج از خط اما م قرار گرفته و مورد بیسور ش تبلیغاتی حزب واقع شده اند (۱).

آنهم آواشی و هنگامی اولیه حزب با مدنی ها و جبهه ملی در مقابل خلق و انقلاب و این مخالفت و جبهه گیری کنونی در مقابل هم، به خوبی ماهیت این تضاد را در بر ملا میکند و نشان میدهد که افشای جناح حزب بر علیه جبهه ملی و مدنی و آمریکا شی خوانندگانشانها از یک پایگاه مردمی و یک دیدگاه مترقیانه و انقلابی بلکه از وابسته ای عمیقاً ضد انقلابی و ضد خلقی، صورت می پذیرد. به عبارت دیگر تضاد بین جناح حزب و جبهه ملی، مدنی و کلیه لیبرالها از مقوله تضاد بین

(۱) - به توده های دلیر و آگاه توصیه میکنیم که سوابق تمام کسانیکه روزی در جبهه ملی خدمت میکردند (از جمله آقای بنی صدر) بپذیرند و با ما پیوسته عمل و تفکر آنها در طول انقلاب با بیشتر گسترده ای این افراد روبرو گردند. "سرما لهر روزنامه جمهوری اسلامی - شماره ۲۴ - تا کید و پراشترا زما ست.

و اردن سازد، اما این افتخارهای صوری وسطی است. بر علیه همه به جیبی بنا شده است. نوجوانان مولسی کمونیستی به هر دو جناح و کلیه و اسکان به آنها با شد، بلکه سیاست صحیح و بیرونی است که همه کمونیستی را پسین همانطور که کمونیست انجام داده اند، اما فضای نیرخمانه و ناطقانه که هفت جا که بهر دو جناح است مدخلی و استوار کرده آنها را بی محابا بدون وقفه برای طبعه کارگزاران کمونیست توضیح داده و افشا نمائید.

ار همین روست که ما خود را ملزم می کنیم که لا اقل یک نگاه کویا می به ما حبه خردش با کمپان (سناریج: ۵۹/۴/۲۶) با ما در زمین ما جیب خا شایسته او و جریانی که و بنا بندگی می کند را سیر افشا نموده و صحت گفته ها و نوشته ها و تحلیل های خود را در این خصوص بهر نشان دهم، این بما حبه خا وی نکات و مسائل زیاد و کویا کویا است، ولی ما فقط به دو نکته می پردازیم: **پایگاه**، **امیرالیم** از نظر مدنی **توده ها** از نظر مدنی که البته در ضمن آن از بیوستگی و مشابیهت تا موثقا م نظر مدنی در این دو مورد با زبان لیسرا لیسرا و بنا بر مبنای این اصطلاح خدا امیرالیم نیست، یعنی جناح حزب جمهوری اسلامی سخن خواهیم گفت:

**پایگاه امیرالیم در ایران از نظر مدنی**

مدنی در پاسخ به سؤال "سفر شما پایگاه های امیرالیم در ایران چیست؟" میگوید: "پایگاه امیرالیم پایگاه های است که نمی گذارد ما بهر تداوم در مسیر طبیعی آن ادامه دهیم. اصولا هر چه که ما نسج حرکت ما در جهت نظم بخشیدن به جامعه ما در پایگاه های است از پایگاه های امیرالیم یعنی المللی، مثلا سرمایه دارها و فئودالها اگر ما مع شوند و استوار زگری کنند پایگاه امیرالیم هستند." البته حسن یا نخی از مدنی در خصوص پایگاه امیرالیم هیچ وجه برای ما قابل تعجب و سؤال برانگیز نیست. چرا که جنگجوی جریانی که خود را می بدون چون و چرا برای سرمایه داری و ایستاده امیرالیم است نمی تواند در "میلانی" غبار آنچه که نقل شده است، مدنی می گوید:

"پایگاه امیرالیم پایگاه های است که نمی گذارد ما بهر تداوم در مسیر طبیعی آن ادامه دهیم." و در اینجا مراد از "ما" بطور کلی ملائطی روشن است که خود نشان یعنی سوز و آلهای ای خائن هستند و بنا بر این کلیه نیروها که ما مع از اردن "لیبرالها" میشوند و در باره زاری نظام سرمایه داری و ایستاده لیبرالها سنگ می اندازند از نظر مدنی پایگاه امیرالیم هستند! و این میتواند حتی شامل سرمایه دارها و فئودالها نیز شود! البته "سرمایه دارها و فئودالها اگر ما مع شوند و استوار زگری کنند!!!" و در غیر این صورت! از نظر مدنی مزدور آنها هیچ وجه پایگاه امیرالیم نبوده و نخواهد بود. ما نوحه به نکر می به امیرالیم و پایگاه های منحص منبذ که از نظر او و جریانی که او بنا بندگی میکند **سوزگترین و محکم ترین** "پایگاه امیرالیم" حسن بوده ای و اعتقاد فقهی فقهی است مدینه و دلاور ایران است. بنا بر این است که توده های زحمتکش و بیگانه انسانها تنها نیروی هستند که میتواند سر بلند با زاری نظام استوار زگری سرمایه داری و ایستاده کند و اقدام میکند. اما آنکه چرا در اسناد مدنی بوده های مبارز خلق و نیروهای انقلابی را که مدنی و انقی و آگاهانه سرمایه داری و ایستاده سرمایه داری

امیرالیم "ما میفرمود، بنا بر این است که او فکر میکند بوده ها را بنام آن سراجی دنبال خود کند و از صورت حرف بر قدرت بنا زو سبب آن خود سدل کرد در سراجی کجا و معقد است:

"ما به مردم میسوزاند و اسرا حاسبات و زود حسی تا تیر سلفا با رادو لوپریون فرار میکنند. این سلفا با انکار مردم را عین میکند. سعی اسکند کر قدرت بطور کامل بدست او و دیگر

چنین لغظی را بنا بر کرده است و الا... والا که اسکند خود را رو هم در امیرالیم هستند کجا اسکند خود برای حکمها بهای امیرالیم. بنا کوش در جهت ما ن دادن سرمایه داری و ایستاده ایران. معالیت میکنند اما ما به مبارزه علیه امیرالیم هیچ وجه اعتقادی نداریم و در سنجشها نگاه می برای امیرالیم می سازد. آری، مدنی و دیگر "لیبرالها" (اسما می لیبرالها، خد آنها که در قدرت سببند نظیر

- مدنی و دیگر "لیبرالها" (اسما می لیبرالها، خد آنها که در قدرت سببند نظیر نیست آزادی، با ندینی صدر وجه آنها که فعلا از قدرت دور می باشند مانند حمیه ملی) مدنی زیاد است که با عملکردها و سیاستها - بیان موضوع بیان داده اند که خود را متحد امیرالیم هستند و سرمایه داری و ایستاده ایران نه تنها سرچنگ ندارند، بلکه حامی و پشتیبان بدون چون و چرا ی آن هم می باشند.
- توده ها هنگامی که مدنی و حامیان نظام و ایستاده حاکم را مورد تهاجم قرار میدهند، مورد تخریب، ضرب و حرح و قتل و کشتار واقع میشوند و هنگامی که در اثر نا آگاهی و توهم خود فریب میچورند و تمام مدنی ها می افتند مورد تائید و تمجید قرار میگیرند.

"لیبرالها" ما فرمودیم "ما به مردم را تا سلفا با رادو لوپریون دنبال خود کند و در آن صورت سرکوب نیروهای انقلابی و آگاه هم اسکند و سبب "لیبرالها" امکان بدر است.

ار همین روست که مدنی در حال حاضر جناح حزب جمهوری اسلامی را مانع اصلی "لیبرالها" می بیند و آنرا پایگاه امیرالیم میخواند که با اعمال آمارینی خود (علیرغم میل خوس) مانع زیادی از "مسیر طبیعی" برای سرمایه داری و ایستاده، ایجاد کرده است. مدنی می گوید:

"مسیر است که امیرالیم حتی در درون خود بنا پایگاه دارد. ما بنا بدخا و زود حقوق ملت (منظور همان خودشان می باشد از خواهان "مرزی و خواهان درون مرزی حکومت کم. این است که دنبال احاسات و حما و تکفیر بنا در قدرت. باید ورود به مسائل اراده در سرمایه داری امروز هر کسی را که میخواهد رسیدن خارج کنند با حما و تکفیر می گویند."

اینکه مدنی پایگاه امیرالیم را در جناح حزب جمهوری اسلامی که حما و تکفیر مدنی میباید - بیند دلیل اینست که برای دست یابی به قدرت و اعمال هژمونی لیبرالها در جهت خاکمه، حرف و اصلی و بر قدرت جناح حزب است از نظر او این جناح حزب است که اجازه، میدهد لیبرالها با خیال راحت به سرمایه داران دادن اذاع در هر چه سرمایه داری و ایستاده ایران بپردازند و سرمایه داری و ایستاده ایران در "مسیر طبیعی" آن "بده و وارد میسازند. بنا بر این در حال حاضر بزم مدنی مانع اصلی تثبیت حکومت و اجرا و نظم حزب جمهوری اسلامی و اعوانش میباشند و به همین دلیل هم آنها پایگاه امیرالیم هستند (۳). اما دقت بیشتری در سنجشها و عملکردهای مدنی و مدنی های هاروس میسازد که ما با او مثال او پایگاه های برای امیرالیم در ایران نمی شناسند (طبیعی هم همین است) و اگر چه حزب جمهوری اسلامی متنازد و آنرا پایگاه امیرالیم میباید مدنی انواع با توجه به جو موجود در جامعه برای تحت فشار گذاشتن حرف،

بصورت آزادی. با مدنی مدروجه آنها که فعلا از قدرت دور میسازند ما سنجشها ملی، مدنی زیاد است که بنا عملکردها و سیاستها بیان موضوع بیان داده اند که خود را متحد امیرالیم هستند و سرمایه داری و ایستاده ایران نه تنها سرچنگ ندارند، بلکه حامی و پشتیبان بدون چون و چرا ی آنها هم می باشند.

اما بخیر "لیبرالها" حرف آنها یعنی حزب جمهوری اسلامی و اعوانش بپردازند نشان داده اند که علیرغم سازهاسان، با امیرالیم سرچنگ ندارند و اگر خدای با آمریکا دارند، تعدادی است بین دو نیروی مدخلی و رهبر روه می با آنکه جناح حزب نیز با ساسان و امکان خود (البته سبب خود - خوش) خواهان بازسازی سیستم سرمایه داری و ایستاده ایران است و در این راه در کنار سربکش (لیبرالها) از هیچ حاسات و جانی فرو گذاشتن نمیکنند! و در سرکوب نیروهای آگاه و انقلابیون کمونیست، کارگران مبارز و زحمتکش، ملت های تحت ستم، بویژه خلق نیرمان و دلاور کرد، در حفظ فرار دادهای اسارت او امیرالیم - ها با رژیمها خاش، در بینان نگاه داشتن اسناد حاسات و جانی امیرالیم و رژیمها فقط تده پیشین بر علیه خلق... که ملاحظه او همگامی موحی در مواردی بینگام "لیبرالها" بوده است.

**توده ها از نظر مدنی**

مدنی در مورد توده ها از اشغال لانه جاسوسی می گوید:

"این سرودها را مردم در زمان رژیم سابق هم میکردند."

به سخره گرفتن احاسات امیرالیم یعنی توده - هابدن شکل رسوا و افشا نشان دادن عمیق تقصود مدنی خود را توده ها توسط جمله فوق الذکر، فقط از مرکز کشف جلادان و خاشین توده های خلق و سوگران و خلقه بکوتان امیرالیم حاسات بنا آمریکا تراوش میکنند. معالیت حاسات عظیم توده های خلق که در محالفت با امیرالیم حاسات بنا آمریکا کرده امده اند (حساعتی که هیچ وجه موردنا شناسال کنندگان و بقارت و حاسان آنها سبب توده است) با چند صد نفر خود فروخته و فریب خورده که زمان نگاه جلاد با تطمیع و سپید به نفع رژیم سبب طنا سه سبباز می دادند، فقط سنا کشنده عمق تفکر راجع ای و حماقت و عقب ماندگی تاریخی مدنی جلاد ستم، بلکه بقصد در صفحه ۱۱

(۳) - خوانندگان حتما بخاطر دارند اطلاعها و نوحه های دمسرا ما مورعما رواج است را در سرجند استن بوده ها را را همیشه ای و نظا هرا با دفع اشغال لانه جاسوسی.

در عین حال نشان دهنده ما هیت عمیقاً سرسپرده و جنا بنگارانه او و مثال او نیز میباید شد. نفی حرکت و توانائی نوده ها، بیوشانیدن نقش تعیین کننده و تاریخما ز نوده ها، چشم فرو بستن بر نیروی عظیم و لایزال آنها، بیان دادن به تشخیص صحیح و استراتژیک آنها، یعنی کتمان واقعات، تحریف حقایق تاریخ مبارزاتی نوده هاست، نشانگر ایدئولوژی پیوسده و متعفن بورژوازی در عمر کندبندی و احتکار امیریا لیم است که از گام و حرکت روبرش نوده ها در وحشت و خوفی عظیم و دائمی بر میبرد. ما و ما بر کمونیت ها هرگز نمی گوئیم که نوده ها بطور کوتاه مدت و بدلیل ضعف عمر آکا و ونا آکا هی و توهم پروسه استغاده قرار نمی گیرند و اشتبا نمی کنند ولی این بمعنای این نبوده و نیست که احساسات خدا میریا لیمتی نوده های خلق و خواستهای بحق و متعالی آنها مورد استهزا قرار بگیرد و غاشنه با نشانها با نظا هرات فرما بیی زما ن شاه مقابله شود.

مدنی، نوده ها را زمانی که احساسات خدا میریا لیمتی خود را بروز میدهند و با میرزا ت فسد امیریا لیمتی و دمکراتیک اقدام می ورزند، فاقد ارزش میدانند و اعمال آنها را "سروصدا" مینامند و آنان را با او با نشان نظا هرکننده زمان شاه قیاس میکند. ولی همین مدنی هنگامیکه بخشی از نوده ها (اکثریت کانی که به مدنی رای دادند) از طبقات مرفه و مدافعین رژیم شاه بودند و فقط بخشی از نوده های قشر متوسط و ناگاه به مدنی رای دادند، (در اثر توهم ونا آکا هی خود نیست به ما هیت او و ما ننند او رای میدهند از نظر مدنی "بسا مطالعه"، با فرهنگ و آکا ه میشوند، و در نتیجه رای آنها هم لزوماً ما با یستی مورد احترام قرار بگیرد. می بینید که مدنی نوده ها را برای چه میخواهد و در کجا آنها را تا شید میکند، درست در آنجا شیکه اریا با او نشانها رفته اند، درست موقعیکه به سیستم سرما به داری وابسته ایران را مورد حملات خردکننده خود قرار داده اند، درست هنگامیکه مدنی و ما میان نظا و وابسته جاکم را مورد تهاجم قرار میدهند، مورد تمسخر، ضرب و جرح و قتل و کشتار واقع میشوند و هنگامیکه در اثر نا آکا هی و توهم خود فریب میخورند و با مدنی ها میافتنند مورد تا شید و تمجید قرار میگیرند. این سیاستی است که به طور کل رژیم جمهوری اسلامی همه رژیمهای ارتجاعی بدان عمل میکنند، موقعیکه نوده ها از روی عدم آکا هی و بسیاری از آنها برای "سلامتی" ما ما (و از این قبیل) به نظام جمهوری اسلامی رای میدهند، رای آنها و نظرات آنها محترم است زیرا که در جهت منافع حاکمان کنونی می باشد. ولی زمانیکه نوده های آکا ه و مطلق کرد در گردستان با لاتفاق خواهان خود مختاری در جا -

چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک هستند و ما بنده گان سیاسی خود را در عمل برگزیده اند و با هنگامیکه داناش - جویان دانشگاهها با رای خود نورا های دانشجوئی را تشکیل داده اند... رای و خواست آنها فاقد اعتبار و ارزش بود و با کلوله و کشتارهای وحشیانه و غاشنه و غاشنه های بیخ داده میشود، چنین دیدگاه عمیقاً ارتجاعی نیست به نوده ها و بسرا آکا هی و توهم نوده های نا آکا ه و توهم تکبیر کردن خاص تمام نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی است. و این دقیقاً سیاست کل رژیم جمهوری اسلامی ایران است. سیاست بازرگان و نهفت آزادی، بنسی صدر و با ندش، حزب جمهوری اسلامی و اعوان همه و همه قدرتمندان و حاکمان کنونی می باشد. در قبال چنین دیدگاه و سیاستی کمونیستها با بدبا تلاش همه جا نیبه

### بقیه از صفحه ۸

## رفیق شهید ...

پیکار ۵۱ (اول اردیبهشت ۵۹) آمده است.

(۱۱) - رفیق شهید مرتضی خاموشی در زندانهای مرز ترکیه و در حالیکه با خود مقداری اسلحه و وسایل دیگر داشت همراه با رفیق شهید حوریه بازرگان به شدت رسید.

(شرح مفصل در پیکار ۴۵ و ۴۴)

(۱۲) - انقلابی شهید حسن حسنان، سمپا نیزان بخش منشعب از زمان مجاهدین خلق بود و با شغل مترجمی در سفارت آمریکا کمکهای ذیقیمتی به سازمان و انقلاب میکرد. در عملیاتی که قرار بود طی آن کاردار آن سفارت در تهران، اعدا ما انقلابی شود متاسفانه اشتبا هی پیش آمد و بجای فردا امریکایی مژبور خود شهید حسنان - که در اتومبیل ویژه سفارت نشسته بود - مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید شد. در همان زمان سازمان طی اعلامیه ای هم زانشتبا هی که پیش آمده بود شدیداً انتقاد از خود کرد و شهادت او را به غاشنه خواند تا سلطنت گفت. (تابستان ۵۴)

(۱۳) - جواد منصور، مسئول سیاسی سابق سپاه پاسداران علی محمدباشی را دارای سابقه منفذ همکار با ساواک (به پیکار ۴۷ مراجعه شود) و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی از جهرم - سرخورد از حمایت حزب جمهوری اسلامی، حاج حسن رفیق دوست تا جریا رفروش میدان تره بار

تهران و از مسئولین فعلی سپاه پاسداران که اخیراً با در اختیار داشتن میلیونها تومان برای سپاه اسلحه خرید، همه این افراد عناصری عقب مانده مرتجع و شدیداً ضد کمونیست میباشند رفیق دوست مستقیماً در به شدت رساندن ۴ رهبر خلق ترکمن دست دارد.

(۱۴) - عزت ناهی در سال ۵۱ سمپا نیزان سازمان مجاهدین بود که دستگیر و نیزان افتاد و بعدها بخاطر گرایشهای راست و ارتجاعی این رابطه خود را با مجاهدین قطع کرد و اکنون در موضعی شدیداً ارتجاعی ضد کمونیستی و توطئه گرانه علیه نیروهای مترقی و انقلابی قرار دارد.



## مراسم بزرگداشت خاطره رفیق شهرام

روز جمعه بمناسبت بزرگداشت خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام مراسمی در بهشت زهرا برگزار شد که در این مراسم هزاران تن از دوستان رفیق شرکت داشتند. در این مراسم خواننده رفیق، خواننده شهید، رفقای سازمانی و رفقای هوادار و دیگر نیروهای کمونیست شرکت داشتند. این مراسم که از ساعت ۵ شروع شده بود با شکر تمام برگزار و در ساعت ۷ به پایان رسید. مشروح برگزاری مراسم در شماره آینده مطالعه کنید.



شرکت کنندگان با مشت های گزیده خود و با قلبی مملو از کینه به ارتجاع اعدا رفیق شهرام را محکوم میکنند.

**رفقا!**

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار را بخش کنید.
- با هر امکانی که دارید تمام یا برخی مقالات و مطالب پیکار را تکثیر و بخش نمایید.

و به کسب موضع اصولی و انقلابی خود را در بین طبقات کارگروما بروز حمتکشان ترویج و تبلیغ کنند. به آنها ما هیت امیریا لیم، ما هیت سرما به داری وابسته ما هیت رژیم ما آن ما هیت جناحهای مختلف رژیم و ما هیت و چگونگی دعاوهای آنها، تضادها و اختلافات آنها را با یکدیگر توضیح داده و راههای و خلاصی را بد آنها نشان دهند و هرگز در این راه به هیچ و خم طولانی خستگی را نپذیرند و لحظه ای از خدمت به پرولتاریا و نوده های زحمتکش خلق غافل نشوند.

### توضیح و تصحیح:

شعر "خون سرخ هر بهیشرمگ" که در پیکار ۶۵ در صفحه خلفها درج شده بود، سروده بهیشرمگ شهید ما زمان "عبدا لمجید نجمیه" است.



## انتقادات بپیکار و وکیلان هواداران در برقراری پیوند بین پیکار و توده‌ها

رفقا ما همواره نامه‌های از جانب شما دریافت کرده ایم که در آن به تقبیل و سنگین بودن مطالب پیکار انتقاد شده است. در این نامه‌ها مطرح می‌شود که خواندن مقالات و پاره‌های برخی مقالات پیکار برای خوانندگان کم‌سواد و محسوس رفقای کارگران مکن پذیر نیست. با بدگفتن این انتقاد کمالیجا و درست است و ما چه در امضا هات یعنی خود چه از طریق نامه‌های شما به این اشکال پی برده‌ایم به همین لحاظ نیز کوشش کرده ایم تا حد امکان و تا آنجا که محتوای مطالب لطمه نیندند مقالات را به زبان ساده بنویسیم. اکنون با وجود اینکه هواخسته‌ایم پیکار را تا حدی انجام دهیم، اما به همه ایده‌ها عمل نکرده‌ایم و به موازات هر چه ساده‌تر نوشته شود.

ولی رفقا این یک طرف واقعیت است که پیکار همواره بنویسی مقالات اشکال دانش و هوشم دارد. اما طرف دیگر واقعیت است که معمولاً کمترین توجه میشود این است که پیکار یک نشریه مرکزی سازمان است. وضعی توانند مطالب خود را تا بدان حد ساده بنویسند که قابل فهم برای همگان باشد چرا که در این مسورت اما ما به محتوای مطالب گذشته و رد نخواهد شد و از آن گذشته مطالب کتداریه و برای اکثریت خوانندگان گشته‌کننده خواهد گردید.

یک سازمان کمونیستی همیشه سعی می‌کند از طریق نشریات مختلف در سطح توده‌های دست به تبلیغ و افشاگریهای سیاسی بزنند و برای همین از نشریات تا و اوراق مختلف استفاده میکنند از نشریه مرکزی گرفته تا تراکت و اعلامیه جزوات ویژه بر زبان ساده گرفته تا نشریات کارخانه‌ها و همواره در خدمت این هدف قرار دارند. ما نیز از شما این وسائل تبلیغی و ترویجی استفاده می‌کنیم اما هرکدام از این نشریات تا و اوراق تبلیغی و طیفه‌ها را دنبال میکنند بطور مثال و طیفه‌ای که یک نشریه کارخانه در سطح یک کارخانه یا یک رشته تولیدی دنبال میکنند عیار نیست از افشاکاری و تبلیغ حول مسائل کارخانه و یا رشته تولیدی مربوطه از موضع کمونیستی (آوزش به کارگران که طیفه واحدی را تشکیل مدهود دشمن طیفانی آنان یعنی سرمایه‌داران نیز یک طیفه اند...) تشکیل دادن عنایت ترویجی... با لطیفه در اسناد هدف نشریه کارخانه تبلیغ و ترویج در بین بهترین‌ها و کارگران است. کارگران را بر سر و کمره تا کارگران متوسط و عقب ما به راه دربر میگیرد. بنابراین ما سوخته هدف است و هم‌بصورت و هم‌بصورت وجود ندارد پس نشریه منطبق با سطح نگردد. هست این بوده‌است و کارگران ما نیز به ساده‌نویسی مسورت هر کارگر هر چند سواد اندکی نتوانند

کهدر پاسخ به نامه‌های از مسئولین حرس که از تقبیل بودن نشریه (پیکار) انتقاد (با سی) کرده‌است به ما با این می‌آوریم و ضمن ادا به تلاش برای روان نوشتن و ساده نوشتن مقالات امیدواریم که رفقای هوادار سه وظایف مذکور را بر ما مریزی و ما زمانه‌های منخسی پاسخ گوئید:

رفیق لنین درجانی از پاسخ به نامه ۷۳ می‌نویسند: "اف و در مقابل خواست نا بجای وی منشی بر با صلاح ادبیات توده‌ای میگوید:

"خوارها" "ادبیات" "توده‌ای" این شما رجنگی شما چیزی نیست بجز نسخه‌ای خیالی که برای کسی دیگری می‌نویسند تا مرضی فعلی‌تانی‌تان را معالجه کنند و از کتند. چنین نسخه‌های هرگز دردی را دوا نخواهد کرد! ..."

لنین سپس در رابطه با لزوم خواندن نشریات و اعلامیه‌ها در میان توده‌ها و ارسال گزارش از عکس‌العمل توده‌ها برای هیئت تحریریه چنین میگوید:

"... هر ماه دهها و صدها اعلامیه، گزارش، خبرنامه از تمام نقاط روسیه به دست ما میرسد اما حتی یک (دیاره) معنای دقیق این کلمه خوب تعریف کنید اگر ازش در باره توزیع این مدها نسخه در میان توده‌ها در باره تا شیری که آنها بر روی توده‌ها میگذاردند، در باره عکس‌العمل توده‌ها، در باره بخشهایی که در میان توده‌ها راجع به این چیزها در میگیرند، دریافت نکرده‌ایم! ما را در همان وضعی قرار داده‌اید که در آن نویسنده مینویسد و خواننده (روشنفکر) میخواند... کسی که... گزارش این است که نویسنده را با توده‌ها پیوند دهد مثل یک... می‌شنید و غرور میکند: به ما ادبیات توده‌ای بدهید، درحالی که قادر نیست حتی از یک مدم آنچه را دستا دهد کند..."

سپس رفیق لنین در جواب روشنفکرانی که سعی عملی خود را با این عنوان که (بخاطر سنگینی مطالب پیکار) نمی‌توان بین پیکار و توده‌ها پیوند برقرار کرد میگوید:

"... البته شما خواهید گفت غیر ممکن است بطور کلی غیر ممکن است مثلاً بین پیکار، محمول عمده‌ها و توده‌ها پیوند برقرار نمود... بعداً آنرا شنیده‌ام و همیشه جواب داده‌ام که این حرف درست نیست این حرف ظفره رفتن، نشانه از پیکار را خالی کردن، نا توانی و راحت طلبی و میل به این است که اردک سرخ کشیده خودش مستقیماً به توی دهان ما پرواز نکند. من اطلاع دارم که آدمهای بادل و جرشنی توانسته‌اند بین پیکار... بنوده‌های کارگران حتی کارگران عقب‌مانده‌ها آموزش ندیده‌ای نظیر کارگران نواحی... پیوند برقرار کنند..."

رفقا برای ما نامه بفرستید. اسم مستعار و تاریخ نامه‌ها بمان را فراموش نکنید...



نشریه کارخانه‌ها مطالعه نماید. همینطور است نقش یک تراکت که در مورد یک موضوع مربوط به عامه زحمت - کتان و خلق نوشته میشود و یک جزوه آموزشی که با زبان ساده برای کارگران و پارتی‌ها و بی‌سور کلی گروه‌های کم‌سواد زحمتکشان... نوشته میشود.

اما نشریه مرکزی یک سازمان چنین نیست. این نشریه گرچه ما بدینا حد امکان ساده نوشته‌شود اما منشی-توانند سطح مقالات و نوشته‌های خود را به سطح پایین‌ترین و عقب‌مانده‌ترین افشار زحمتکشان تنزل دهند. پس چه‌جا بد کرد؟ چگونه با بد نشریه را خود را در میان زحمتکشان با زکند؟ در این مورد ما نظریه‌ها گفتیم برخی حتی بسیاری از مطالب نشریه را تقبیل اخبار و گزارشها و مقالات تبلیغی و افشاگری‌ها می‌نویسند که ما ساده نوشته‌شود. اما عمده مطالب ترویجی و سیاسی مربوط به تحلیل از شرایط سیاسی حاکم و مبارزه طبقاتی و مبارزه بدشور و بیک... را نمیتوان در یک نشریه مرکزی آنچنان با زکرد و جلا می‌نویسد که برای تمام خوانندگان قابل فهم باشد بلکه این وظیفه هواداران آگاه و پیشرو سازمان است که چنین مقالاتی را در جمع کارگران و زحمتکشان کم‌سواد حتی بی‌سواد و بی‌توده‌های دانش آموز... بطور جمعی مطالعه کرده و آنرا بزبان ساده و با توضیح و مثال... برای خوانندگانشان تشریح کنند. این وظیفه‌ای است که معمولاً به آن کم‌توجهی میشود. هنوز بسیاری از رفقای هوادار سازمان چنین وظیفه‌ای را برای خود قائل نیستند که پیکار را در میان محافل و پارتی‌ها در مدارس و روستا و خانه‌ها... برای توده‌ها بخوانند و ما همین آنرا تشریح کنند. آنجا خیل میکنند این تمام وظیفه نشریه است که لقمه را بچود و در دهان خواننده بگذارد. به این دسته از رفقا باید گفت: نه رفقا! این درک کلیات اشتباه و کاملاً نادرست است. رفقای هوادار وظیفه‌دارند نه فقط پیکار را بفروش برسانند، نه فقط بطور مستقیم برای پیکار خوانندگان جدیدتری بیابند بلکه همچنین وظیفه دارند که پیکار را در میان محافل و برای زحمتکشان و خانه‌ها... بخوانند و با زبان ساده برای آنان مضمون مقالات را توضیح دهند. این است یکی از راه‌های اساسی نفوذ یک نشریه کمونیستی در بین زحمتکشان. برای برخی از رفقا ممکن است این وظیفه پیش‌پا افتاده و کوچک جلوه کند. اما ما بد بگوئیم کار توده‌ای و رفتن به میان توده‌ها یعنی همین چیزهای بظ هر کوچک، برخی روشنفکران آنقدر حرف‌ها شنند و از کار توده‌ای برداشت ذهنی دارند که وقتی به آنها گفته میشود خواندن یک نشریه کمونیستی در میان زحمتکشان و توده‌های دمکراتیک از وظایف شماست مسئله برای شما غیر قابل قبول است. اما واقعیت این است که این یک وظیفه مهم است و این مسئله بظ هر کوچک را یک پیشین توده‌ای و پرولتری بخوبی درک میکنند اما یک پیشین روشنفکرانه و پارتی‌گرای منشی‌نهاد رفقای هوادار سازمان با بدکوشش ما بدنتی تا شب درک و بینش اولی را از خود بزداید و بر نفسک و پیش‌دومی منطق سازند. رفقای هوادار ما در کردستان و بلوچستان که بیشترین ارتباط توده‌ای را دارند به اهمیت این مسئله خوب آگاهی دارند همچنین رفقای که خارج انقلابات جهان را مطالعه کرده‌اند بخوبی میدانند که یکی از وظایف مهم کمونیستها در چین، روسیه و ویتنام... برودن نشریه مرکزی و دیگر نشریات به میان توده‌ها و خواندن آن برای توده‌ها و توضیح و تشریح مسائل آن بوده‌است.

سخنان خود را با نقل قولهای از رفیق لنین

بقیه از صفحه ۲  
پرس...

پس از تشکیل مجلس دوجناح که متفادان شدت بالا گرفته است نمی توانستند بر سر تشکیل دولت به نتیجه برسند. بنی مدرکوشید با پیشنهاد "سدا محمد خمینی" به عنوان نخست وزیر مخالفت خود را با حزب نشان دهد و از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی با پیشنهاد جلال الدین فارسی که از مخالفین "خط بنی صدر" است کوشید "سازش با بدیوی" خود را بشوید (همین مسئله از این لحاظ نیز بسیار قابل است که در حالیکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب نخست وزیر در صلاحیت رئیس جمهور مجلس است، یک حزب پیشنهاد نخست وزیر می دهد!) و بهشتی حتی در ماهیسه ای مسئله امکان کنار رفتن بنی مدرکوشید بطور تلویحی مطرح نمود. (۱)

در عین حال تا یکدخمینی بر سازش دوجناح (بدینصورت که نماینده ای را برای انتخاب نخست وزیر نفرستد) کید داشت که مسئله نخست وزیر مربوط به بنی صدر و مجلس است (و بهشتیانی اخیرا و از مجلس و رئیس جمهور و "قوای انتظامی" "الترنا سو" "سازش" را پس از آنهمه جنک و دعوا بین دوجناح قرار داده است بنی مدرکوشید موضع خود را نشان داده و توافقاتی را می پذیرد:

"ما یک جوی را در نظر گرفتیم و متنا سب با آن جو یک انتخابی کردیم البته در حدودی که امکان داشت است و متعهدی که می پذیریم در حدودی است که نظریات ما تا ما من نبود. اگر نشد نه می شد نمی پذیریم" (انقلاب اسلامی ۵ مرداد) و حزب جمهوری اسلامی نیز برای امکان نواستی از افراد دیگری که غیر حزبی باشند ولیکن در "خط امام" باشند (بطور حاشی) سخن به میان می آورد.



مبارزه ای که بر سر چگونگی ترکیب دولت در کفایت و رژیم جمهوری اسلامی را با این ست رو بر مواخذه است بدون شک نه اولین و نه آخرین تبار جنک قدرت در "بالا بنوده و نخواهد بود. لیکن اهمیت تشکیل دولت از این لحاظ مشخص میشود (و حزب جمهوری اسلامی و بنی صدر و همین رابطه بنی صدر و بنی صدر) که در یک دوره میزان قدرت هر کدام از جناحها را در پیوند میخورد. رکان تعیین کننده هیئت حاکمه است نشان میدهد. حزب جمهوری اسلامی تا کنون بر بخشی از قوه اجرائی مسلط بوده است. (جها دنا زندگی، کمیته ها، با ساران و...) و آنچه که مسلم است در آینده نیز آنرا حفظ خواهد کرد. و اهمیت مبارزه طبقاتی و اوچکسری

(۱) - "با بدما گروه با تیم و متشکل با تیم و با بدما زمان و سازمان داشته با تیم با تیم با هم هکنی و همگاری بیشتر به میدان این مشکلات برویم. ضمنا این جمله را به ملت عزیز عرض کنم انقلابی و فعالین آنها از این مشکلات بفرساید. داردمیلت ما نترسد و دوجناح دلپره نشود که حلاجطور میشود. هیچ طور نمی شود. مدنی رئیس جمهور و مجلس با هم نباید دل نظر میکنند و انشا الله با هدایت خداوند و سوسی و او هر چه زود تر به یک نظر مشترک برسند. اگر خدای نا کرده اینها نظریات مشترک بنویسند برسد! مت همت امام نیز هست. ما در جریان این انقلاب با هر وقت به مشکلات جدی برخورد می کردیم همان هکنی قلبی و روحی است و ما مبریا به اسلام حل میگرد (جمهوری اسلامی - ۹ مرداد) تاکید از (ماست).

بقیه از صفحه ۱۶  
اعتصاب...

اعتصابی به وضع بد زندانها و رفتار غیر انسانی با ساداران و زندانیان دست به اعتصاب غذای ترزدند. از طرف دیگر خانواده زندانیان سیاسی نیز در دفاع از فرزندان مبارز خود از روز ۲۹/۴/۵۹ در مقابل مرکز سیا با ساداران متحصن شدند. آنها بلاکاردها نشانی با شعار "زندانی سیاسی آزاد با بدگردد" و "ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط فرزندان خود هستیم" در دست دادند. مردم مبارز و آگاه مسجد سلیمان به شهرهای مختلف با خانواده های زندانیان اعلام همبستگی کردند این تحمن بمدت سه روز ادامه داشت.

هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر نیز به همین مناسبت و در دفاع از زندانیان و همجنین محکوم کردن اعمال ضد مردمی رژیم اقدام به برگزاری یک سری میتینگهای موضعی در محله های مختلف شهر نمودند که با استقبال گرمی از طرف مردم روبرو شد. روز دوشنبه ۳۰ تیر و اولین میتینگ در محله سرکوره ها با شرکت بیش از چند صد تن از اهالی محله برگزار گردید. در این مراسم ابتدا متنی در باره وضع زندانیان و زندانیان قرائت شد و سپس یکی از ساداران زندانیان در رابطه با دستگیری فرزندان سخنرانی ایراد کرد. و ضمن محکوم کردن اقدامات اخیر سیا به ساداران از جمله گفت: "همین فرزندان ما و ما زحمتگشان بودیم که رژیم با ما ساقت کردیم و حالا دست به جیبها میمان را بعنوان "فدا نقلاب" در همسان زندانیهای شاه سیر می کنند..."

بدنسال فعالیت خانواده های زندانی و برگزاری میتینگها، ارجاع ناچار کتبی ساداران زندانیان را آزاد کند. لکن مبارزه برای آزادی دیگر زندانیان همچنان ادامه دارد.



جتنیب نوده ای که در یک دوره توانایی لیبرالها را در سرکوب نشان داده است در عمل اثبات نموده است که حکومت در مجموع نتوان از سرکوب قطعی جنبش انقلابی است. این مسئله برگ برنده ای در دست حزب جمهوری اسلامی قرار داده است (و این حزب با همین برگ برنده ایات الله خمینی را نیز در کار خود دارد) که ساست "جماق و شان شریعی" لیبرالها بوده است که مانع تثبیت رژیم گشت است. آنان اساتذات از همین موضع است که لیبرالها را می گویند. "اکثر آن روزی که میخواهند در گردن ساداران برای مذاکره بروند، من به آنها تذکره دادم که مذاکره اگر نخواهد بود از موضع قدرت بیروند. و در همین رابطه است که حزب ساست "جماق" خود را با قدرت هر چه بیشتری مطرح میکند. و اهمیت این است که قدرت گرفتن با زمین بیشتر حزب جمهوری اسلامی بمعنی سرکوب خشن تر هیئت حاکمه در آینده خواهد بود. حزب جمهوری اسلامی آلترا-نا تسو "حما خون" را (منظور حمام خون از کارگران، زحمتگان، خلفا و نیروهای انقلابی است) اکنون بصورتی جدی مطرح میکنند و رتی جدی در تحقق این شعار ارتجاعی و ضد خلقی به پیش میروند. مزدوران این حزب اینجا و آنجا حتی به کاسه لبان هیئت حاکمه نظیر حزب توده و رنجبران را زمین میکنند و عریه دگان صحبت از فاشیت بازی و دیکتاتوری مملاتی میکنند: "تا کنون فاشیت بازی در دنیا در دیم ولی از این بعد فاشیت بازی در می آوریم... آنها نشانی که دیکتاتوری برونل را میخواهد هدایت کند حالا

بقیه از صفحه ۵  
خلقها...

بدنسال این درگیری، با ساداران ارتجاع که از این درگیری ناراحت بودند کتا بخانه جوانان انقلابی شهر را به آتش کشیدند.

● بوکان ۵۹/۵/۲

گلوله باران روستا و شهادت یک نوجوان

در این روز هلی کوبتهای جمهوری اسلامی روستای تکا نشیه را زیر گریهاتیر بارها نشان گرفتند در جریان این شرا ندا زنها یک نوجوان ۱۲ ساله هدف گلوله قرار گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان شهادت رسید. رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با این وحشیگری ها خلق کرد را از خواستهای بر حش منصرف نماید. سی خیراز اینک از راه یک خلق را با قتل عام آنان نمیتوان درهم شکست.

● تکاب ۵۹/۵/۱

تغریک تزه و کرد برای برادر کشی توسط رژیم

در شرحه جاشها و با ساداران ارتجاع به روستای احمد آباد تکاب و سوزاندن خانه های این منطقه که حدود یک ماه قبل صورت گرفته است عمده ای از روستائیان در سوگان وعده ای دیگر در روستاهای اطراف احمد آباد همچنان سرگردان و آواره می باشند. بنا به کفصه عده ای از این آوارگان هشت حاکمه ترکهای تکاب را مسلح کرده تا حاکم ترک و کرد را هدایت از دوبه همن لحاظ ۳۵۰ خانوار احمد آباد را از جمله با ساداران و جاشهای خود فروخته حرات رفتن به تکاب زاندارند و بوکان و روستاهای اطراف رفته اند. در جریان حمله مزدوران ۷-۸ نفر از اهالی از جمله بر سر مرد ۱۲۰ ساله ای کشته شده است و بر مردوان هشت حاکمه و وحشگری خود را با کروکا تکسری چند نفر از اهالی روستا عیان تر نموده اند. سفط از تیره "احما رجنش مفا وم"

دیکتاتوری مملاتی است. مکر دست ما کشته است این احزاب و دسته های کثیف دست بردارند. (سخنان جاد الاسلام غفاری، انقلاب اسلامی - ۵ مرداد)

در صورت قدرت گرفتن بیشتر حزب جمهوری اسلامی مرک محکوم کل نظام جمهوری اسلامی را از بدیکسری - سازد. این جریان از سوشی ارتجاعی ترس و فیسرو و وسط نشی ترس روینها را در سطح جامعه مطرح کرده و به مورد اجرامی گذارد (سکا رکردن، حجاب اجباری، حد کردن زمان از مردان و...) که با توجه به موقعیت کمونیست و نیروهای انقلابی باعث میشود فترت برده خرد بورژوازی جدید هر چه بیشتر به سب جریان فوق ارتجاعی سخنا رنما بل پیدا کند. و از سوی دیگر با قتل عام و کشتن زحمتگان، خلفا و نیروهای انقلابی زمینه فروریختن هر چه بیشتر رژیم نموده های انقلابی نسبت به نظام حاکم را فراهم میکند. در شرایط وجود اعتلای انقلابی و سازمانهای انقلابی کمونیستی و دمکراتیک، اقتضای روتوندهای جدا شده از هیئت حاکمه بسزعت خود را بیکی از دوجریان انقلابی و فوق ارتجاعی سنگسری میکند. تقویت جنبه انقلاب و گسترش آن چون خاری در چشم هیئت حاکمه میروند. جنبه انقلاب در کردستان تحت رهبری نیروهای انقلابی کمونیستی اکنون چون دژی مستحکم در برابر مدخلی که منتقل از هیئت حاکمه جمهوری اسلامی و امیرالاسلم است قهرمانان به قدر فرا شده است هشت حاکمه را به سلاطین کشته است.

تقیه از صفحه ۱ جنبش ...

تکامل کشورها سرمایه‌داری پیشرفته به مرحله امپریالیسم نوحه‌به‌عقب مانده‌گی تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران در اوایل قرن هجدهم منجر به هجوم بیش از پیش و خائنانه برانداز امپریالیست‌ها و در رأس همه امپریالیست‌های روسه‌نزاری و انگلیس به کشور ما گردید. فساد و بوسیدگی بیش از حد دستگاه اشرافیت قاجاریه و بی‌برخا‌ئی حکومت ملوک - الطوائفی زمینبرای دستیابی هرچه آسانتر دولتهای امپریالیستی انگلیس و روس به ایران فراهم میساخت. بطوریکه امپریالیست‌ها با دگی و استغاده از وطن فروشیهای پادشاهان قاجاریه موفق می‌شدند هرگونه امتیاز اقتصادی و سیاسی را بدست آورده و سفره‌غارت و چپاول خود را در میهن فقیر زده ما بگسترانند اینگونه امتیازات اساساً رتبا ره‌مچون با رستگن بر دوش دهقانان، زحمتکشان شهری، پیشه‌وران و تجار ایرانی تحمیل می‌شد و نتوانستند خودمقارمت و مبارزات توده‌ای را بر علیه نفوذ روزافزون امپریالیست‌ها و نیز بر علیه خودکامگی فئودالها و پادشاه وقت برمی - انگیزخت.

سورژوای تحریف ایران که عمدتاً شامل بازرگانان و تجار می‌شد با مقارمت و در برابر هجوم سرمایه‌های امپریالیستی رانداخت. کوشش بخشی از سرمایه‌داران ایرانی بمنظور ایجاد صنایع و کارخانجات و بنا سازیهای مستقل تجاری و مالی با تسکین روس و میشد. لذا سرمایه‌های سورژوای تجاری ایران بس ارهه‌موج‌زمننداری و کسب و زری به‌شوده‌های فئودالی منگردد و این امر باعث بوجود آمدن فشر بزرگی از ملاکان سورژوای متشکله بیوندهای محکمی با فئودالیسم زیکسویا تجارت و بازرگانی ارسوی دیگردا شدند.

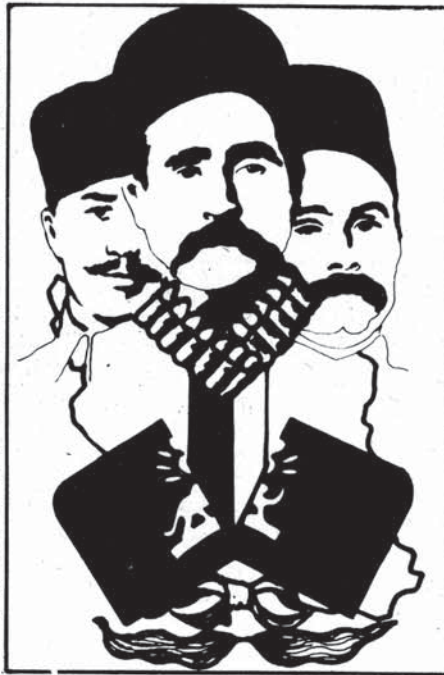
فقرو فلاکت ناشی از فحطی‌های مکرر سر برسد استنما روحیان فئودالی و ملاکان از دهقانان زحمت - کش ایرانی می‌افزود و همچنین گسترش تجارت و بهره - کشی شرکت‌های خارجی امپریالیستی فساد اقتصادی و مسکنت توده‌های زحمتکش شهری و روستایی را دو چندان میساخت. علاوه بر اینها مخارج سرآمد و دربار و اشرافیت فئودالی و دستگاه‌های بوروکراتیک و نظامی پادشاهان قاجاریه... همگی باعث ویرانی هر چه بیشتر اقتصاد فئودالی ایران و در نتیجه گسترش نارضایتی و اعتراضات توده‌ای در سطح کشور میگردد. تجار و بازرگانان که در اثر نفوذ و دخالت بی‌سنت سرمایه‌های امپریالیستی شدیداً تحت فشار بودند و بسیاری از آنان در حال ورشکستگی می افتادند از اعتراضات و نارضایتیهای توده‌ای سودجسته‌وسی در بدست گرفتن رهبری مبارزات و در رأس همه زحمتکشان شهری می نمودند.

جنبش تنباکونمودار آغاز دور جدید مبارزات ضد فئودالی - ضد امپریالیستی

بذل و بخشش‌های سیدریخ پادشاهان قاجاریه به دولتهای امپریالیستی منجر به اعطای امتیاز انحصار تجارت داخلی و خارجی نوتون و تنباکوبه کمپانیسی "تالیوت" گردید که در سال ۱۲۶۹ شمسی توسط ناصر - الدین شاه صورت گرفت. بر مبنای این امتیاز از این پس زارعی نوتون در سرانگه‌موظف میشدند تولید - ات خود را با بهای گران‌تر از طرف این شرکت خارجی تعیین می‌شدند شرکت تحویل دهند. در نتیجه بازرگانان

نوتون و تنباکونیزده‌هفایان وزارعی این محصولات شدت متخرد شده به افلاس و ورشکستگی می افتادند. این واقع‌همچون جرعه‌ای خرم‌ا اعتراضات وسیع توده‌ای را در سرانگه‌موظف و رساخت. مردم در نما می شهرهای بزرگ بیانه‌ها و تظاهرات‌های شرکت انگلیسی "تالیوت" را از دیوارها می‌کنند و بجای آنها علامه - های مخفی و انقلابی را بر علیه امپریالیسم انگلیس و دولت ارجاعی اتابک می چسباندند. برای اولین

● اگر چه همواره توده‌های زحمتکش نیروی عظیم جنبش را تشکیل میدادند اما در این دوره غالباً تجار، بازاریان و بازرگانان با مطرح کردن خواسته‌های نازلی که انجام آنرا از یادداشت‌افضا داشتند، جنبش را در محدود و منافع طبقاتی خود لگام می‌زدند.



با رنظ هرات عظیمی در مقابل قمران مرالدین شاه انجام گرفت که توسط چکمه‌پوشان دربار به خون کشیده شد. جنبش اعتماسی مغازه‌داران بسیاری از شهرها را فرا گرفت. در چنین شرایطی فتوای یکی از روحانیون وقت بنا می‌میرزا شیخ‌ا که استعمال تنباکوران تحریم نمودن شیرفراوانی بر جنبش گذاشت. حتی کارکنی سیدعبدالله بهبهانی مجتهد وقت که آشکارا با تحریم تنباکوبه مخالفت برخاست و در مقابل مردم قلیان کشید نتوانست جلوگیری از اعتراضات و نظرها توده‌ای را سد کند.

سرانجام گسترش امواج مبارزات توده‌ای و احساس خطرناک مرالدین شاه از او و جگیری بیشتر آن او را به عقب نشینی در مقابل خواست توده‌ها واداشت و بناچار امتیاز انحصار تنباکورا لغو کرد. اما جنبش با کوششها بنگر خشم و نفرت عمیق توده‌ها از وضع

موجود بود و بی‌شمار آغاز مبارزات وسیع‌تر آن بر علیه سلطه اشراف و استبداد داخلی و بر علیه نفوذ و سلطه روزافزون بیگانگان بشمار می‌رفت. به همین جهت پیروزی مردم در امر لغو امتیاز انحصار تنباکونسی - نتوانست توقف جنبش توده‌ای را بندنیا لداشته‌باشد. بخصوص اینکه بلافاصله دولت انگلیس بعنوان غرامت امتیاز نظارت بر کمربلات جنوب را در اختیار گرفت و همچنان دولتهای امپریالیستی تسلط خود را بر ایران افزایش می دادند.

تا مرالدین شاه که شاه‌ها و جگیری جنبش بعد از عقب نشینی در مقابل جنبش تنباکونمودار ره‌کار را همچون نمای رزمیهای ضد خلقی در آنجا هر چه بیشتر بر سر نیزه و تشدید فتنه و رخفان دند. اما افزایش کشتن روحانیات شاه گسترش مبارزات مردم را در پی داشت. بلاخره در اربیهشت ماه سال ۱۲۷۵ ناصرالدین شاه بدست میرزا علی کرمانی کشته شد و بسیاری از پادشاهان پیشا رو در سید، پس از او و بر سر مظفرالدین شاه عباس تخت سلطنت را تنها ح نمود.

مظفرالدین شاه طبق معمول پادشاهان قبلی جنایات پدرش را دنبال نمود و به غارت و سرکوب زحمتکشان و دهقانان کشور همت گماشت. او که شخصی هوسا و زوختگداری بود اقدام به مسافرت به اروپا نمود. برای تامین مخارج این سفر بی‌سنت تپه بودن خزانه مملکت با برگرداندن گمرکات شمال و هم‌گفتی از دولت روسه تزاری دریافت نمود تا صرف عا شیهای خود در خارج نماید. به‌فایده‌کوتاهی بعد از آن مجددا رهسپار اروپا شد و با هم‌اتابک وزیر مرعج او وام دیگری از دولت روس درخواست نمود. این استغراضهای بی درستی از دولت روس باعث تشدید اعتراضات توده‌ای گردید و نظرها ت مردم را در سرانگه‌موظف از سقا کسور برمی انگیزخت.

واستگزی روزافزون اقتصاد کشور به دولتهای امپریالیستی، ورشکستگی بیشتر بازرگانان و سرمایه - داران ایرانی از یکطرف و فقر و بدبختی توده‌های محروم دهقانان و زحمتکشان و پیشه‌وران شهری از سوی دیگر را بدنیال داشت. در نتیجه مردم بر علیه فقر و سنگری و بر علیه تجار و اشراف و استبداد داخلی بیبا میخواستند و اعتراضات خود را با استناد به مسورت خواسته‌های نظیر برکناری اتابک از پست وزارت به ظهور میرسانیدند. مظفرالدین شاه تحت فشار توده‌ها ناگزیر شد تا یک راه از نخست‌وزیری عزل کند اما بجای وی عین‌الدوله مرتجع از مهربه‌های سرسپرده انگلیس را بر سر کار گماشت. توده‌ها همچنان بر شدت مبارزات فداستیدادی - فدا میریالیستی خود می افزودند. اجتماعات و نظرها ت بسیاری بر علیه عین‌الدوله مرتجع بوقوع پیوست. این اعتراضات بتدریج سرانگه‌موظف می‌پوشانید. تا جایی که شخصی نظیر سیدعبدالله بهبهانی که علناً در مقابل جنبش تنباکون و بر علیه توده‌ها ایستاده بود نیز بیخا طردوستی و تندیکی با اتابک معزول به جرگه مخالفین عین‌الدوله پیوست و وی سعی نمود تا با بهای سایر روحانیون بزرگ و سازشکار نظیر سید محمد طباطبائی و بابلیبرال - اشراف‌ها بی چون تقی زاده بر امواج مبارزات توده‌ای سوار شده و جنبش را در حد منافع خفیر خود مهار کنند.

اگر چه همواره توده‌های زحمتکش نیروی عظیم جنبش را تشکیل می دادند اما در این دوره غالباً تجار بازاریان و بازرگانان با مطرح کردن خواسته‌های نازلی که انجام آنرا از یادداشت‌افضا داشتند، جنبش

### دولت "عدل" اسلامی از منافع خانها دفاع میکند یا از منافع دهقانان

ده "تصیر آباد" از منافع "تصیر آباد" هر دو در آذربایجان برقی دارای ۳۰۰ خانوار است. در سالهای ۴۲-۱۳۴۳ قمری تمام "تعبوت روحی" آن ده زمینهای مرغوب دهقانان را تصرف و منتهز منسبتی کرده مالکین را به اجرا کا دکو سفید اس تبدیل میکند. بعد از تمام بقیه ما دهقانان به علت سوهمنان نسبت به دولت و روحا صحت خود را با تصمیم گرفته و برای احسان حقوق خود به اسناداری. ساها در اداران و کمیته سراسر کا کات میکند ما هیچکدام از ارکان سیاسی نکو در خواستهای آنان رسیدگی نمی کند.

اولی فروردین ۵۹ یکی از جوانان ده تفسی از زمینهای خان را تصرف کرده و شروع به کشت میکند. اس عمل حرکت جدیدی را در ده دان میزند تمام دهقانان زمینهای خان را در اجرا کا دکو گرفته و آنها را اس خود منقسم میکند. آنها در اجرا کا رسا منافع مسلحانه خان و برادرش مواجده مسودوشی که در کسری دیو سوار دهقانان زمینکتن ساسهای خان علی مرحاسی و "آرد محمودی" زمین میسود. دهقانان سا بدن این وضع خمکتن شده و سه منزل خان حمله میکند خان و عمالش محصوره فرار میسود و دهقانان سراسر اموال و ۷۰۰ اس کویسند خان را ساساوی سس حدود منقسم میکند.

خان ده خیمه و اسعاد و خند زان! بر دو سه زده ده آمده و ۸۰۰ اس کویسند را پروا زده دهقانان می کسند. سران خان کیمک توال خود را دهقانان ساسان زمینکتن را خود را زمینهای دهقانان ساساوی سس بوده و برای رسیدگی به وضع ده ده فراموشی. اداران منافع طبعی و اصلاحات ارضی مرا خفه میکند. در آخر پرونده در اجرا کا دکا ده به مطلق اختلال سیریز نواز می کسند. داد کا ده دیو سوار دهقانان زمینکتن مساز زمینهای "تصیر" ۷۰ سالدو "محسوت" جبا کسری ۵۵ سالدو آنها به حرکت وا سس اس اسعاد کردن و خان را سرحیت داس اس اسعاد بر دان ساسا دره اکسون حدوده ما داس که دهقانان زمینکتن ساسکت در زدن سیمی سوده. دهقانان ده "تصیر" آاد "سیریز" آزادی دوعفر ساسی در اساسا ساداری داس به حصن میزند. طبق آخرس میبر سیده آنها سا روز ۲۹/۴/۵۹ در اسناداری منحصن سوده اند.

آنها برای طوکسری از حمله محدود خان به "داد کا ده" انظاف "واسا ساداری" کات میکند. از طرفی خان سحرطی نکاسی از دهقانان ادعای خسارت میکند. رئیس سا کا ده که سا لپا ده دهقانان ظلم کرده ما سوس رسیدگی به اس نکات مسودا ما بطلت اعتراف سده دهقانان به ما موریت و اس ازمینه گوازی منسی بر "حمله مسلحانه دهقانان به خانه یعقوب خان و جیبا ول

را در محدود منافع طبقاتی خود لکما میزند. غلبه شوه های مسالمت آمیز مزارعه همچون بست نشینی و سخن سنجید مسلط نجار، ملاکان لیسرال و بازرگانان بزرگ بر حرکات اعتراضی سوده ها بود. بست نشینی نزدیک به چهار ده هزار تن از بازرگانان، کسبه و بازرگانان در سراسر انگلستان یکی از کاتکسهای سارنگا راند اس اسار بود.

مردم در اده ما مبارزات انقلابی خود خواهان برکناری عن الدوله و اخراج "نور" مستشار بلژیکسی، احزاب عدالت احتماعی و سحرک در سرنوشت سیاسی خود بیودند. مظهر الدین شاها چارند در مقابل رسد چنین سوده ای غلب نشینی کرده و عن الدوله را برکنار نماسد. اما دیکر مران آن کشته سوده که ستوان با تسویف منیره ها و اس اصلاحات حزبی نظیر اس "عدل" منافع از کسری حرکات انقلابی سوده ها کردید.

### صدور فرمان مشروطیت، عقب نشینی بزرگ ارتجاع در برابر جنبش خلق

سالخره ده و موا وحکمری مازرات سوده ها سیر لند اسنادا دد اطلی و سلطه خا رخی، ارتجاع اسنا خا رخت تا با پذیرش حکومت مشروطه و تسکین مجلس نمایندگان برخی از اقتدار و طبقات خلق تک کما مد کور در مقابل انقلاب عقب نشینی کند. اسامی فرمان مشروطیت در چهاردهم مرداد سال ۱۲۸۵ در واقع ساسا نکرو صحت ارتجاع از انقلاب و حکمر سوده ای بود. اس و اس نامه تاریخی نکبار در کسری رسیده اسبران رای به تسروی لایزال خویش منوجه صحت صدور فرمان مشروطیت سیز سنواست صبح ساس سرحدی سکا هنر انقلابی اسلایسی جا معه که سسرت سوا حی اسبران و بصحوص آذربایجان و کیلان ونوا حی شمال کشور در اس سحر کفته سوده. بکا دره. گرا سکا حدودی مرزی سدی طبقاتی میان مشروطه خواهان و سناسز سکا رمان سجه انقلاب اس سگرف و سارنگاران و اصلاح طلبان را! از طرف دیگر سسما سس بکا دره.

جنبش همدان ادا مسالمت و از اس سس انقلاب سون رهبری جنبش را از چیک روحا سون سارنگار و ملاکان لیسرال سیرون می آوردند. در تسری سزه ری انحصن سوده ای را "تراگزیمسی" که انقلاب سون سا مذاری چون حصد صمو اولی کومونس دلاوران زمان علی موسوی حاج علی دوا فروش، صدقانی و... آاد ااره میگردند در سست خود گرفته سوده. کسکه های سیدو ریخ انقلاب سون قفقازی و کومونس سسیتی روسی به آزاد سوا خان اسرانی تاثیرات سکرانی در اوضاع انقلابی شمال اسبران در آذربایجان و کیلان سرجای می کذاشت. سساری از انقلاب سون روسی مستقیم در مبارزات فدائیان مسلح اسرانی شرکت جسده و از فعالین دسده های مجاهدون فدائیس سسما زمی رفتند.

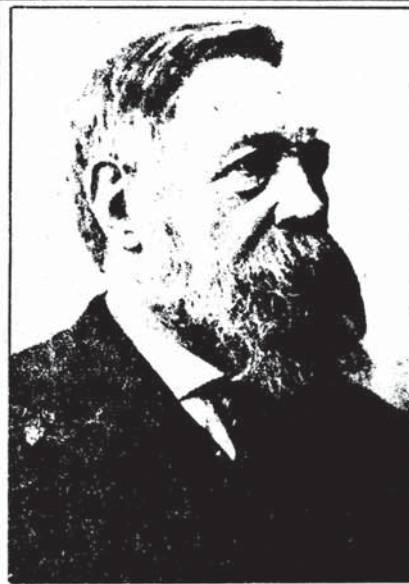
که مشروطه خواهی را سسنا وسیله ای برای سحرک در قدرت ضد خلقی و ساس منافع طبقاتی خود سسما رمی آوردند. منتم قانون اساسی که در واقع قسمت اصلی قانون اساسی مشروطه سسما میرفت در اسر سس سسنا ده انحصن سیریز مطرح سده و فد آن ساس من هر چه سس سسر سارنگاری همچون آیت الله سسبهانی و آیت الله طبا طباشی و سسما سسنگان سنفودا لپا و سسما بزرگ کسه منافع طبقاتی خود را در سطر می بدسده منافع اس تنظیم مواد سده که هر چند بطور محدود، منافع سوده های وسیمتری از خلق را در سبردا سسنا سده. در موسوی سسه پیشنها در وحانی مرتجع و در برای شیخ فضل الله نوری که از سس سسنگان معدودا تک بود اطلی در منتم قانون اساسی سسنا سده سسکه سحرطی آن یک گروه س نغری از مجتهدین وقت می با بست کلیه قوانین سس منسوبه مجلس را تا سس دیوبا موا زین شیخ فضل الله نین اصل نفوذ روحا سون بزرگ را سس ازمین طرف سسوه قانونگذاری کشور تا من میگرد. شیخ فضل الله نوری روحانی مرتجع می بوده که مشروطه طلبی را سسما سسما "موا زین اسلامی" قلمدا سس نموده و حکومت "مشروع" رایبه جای مشروطه پیشنها دمیکرد.

مجلس اول متشکل از اسراف سنفودال، نجبار، ملاکین سوزو، روحا سون و سسدا محدودی سسهوران و کار مندان بعد از اسامی فرمان مشروطیت تشکیل شد. از مهم ترین ویژگی اسن مجلس آن بوده که جلسات آن در حضور عامی بویا سحرک آزاد افشا و طبقات مختلف خلق تشکیل میسند. بطوریکه تمام سسما سس چنان فعالانه در بحث های آن نیز شرکت میگردند. همین ویژگی سس میزدید بر حضور معدود نمایندگان سسهوران، اصناف و سسار کوچک و متوسط سبب تسویب بعضی قوانین سسد سنفودا لی نظیر لغت سبول داری توسط مجلس اول گردید. اسنگاسی وقایع و بسشهای درون مجلس که سوسله برخی اجزا با سسنا رمی با فت هر چه سس سسر توجه سوده های زمینکتن شهری را سسوی سسایت و انقلاب جلب می نموده سسوه خود سسوزان آکا می سوده ها می افزود.

جنبش او حکمر سنده دهقانان سرتوان انقلابی جنبش می افزود. اما با سسدا سس و نکات مل جنبش جوان کاکسری که همزمان با جنبش مشروطه با به عرصه خود می کذاشت اهمیت سسبان و تعیین کننده مبارزات کاکسری سسه اشیا ت میرسید. بطوریکه اعتبارات متعددی که در سال ۱۲۸۵ و سس از آن در بسشهای نظیر چا سسنا ها، کسری- راسان و سسار در میان کار مندان جز تلگرافخانه سسوه سسوست با عت و حش عمیق ارتجاع کرده سده. تسلیم سوری در با در مقابل درخواستهای منفی کار مندان اعتمادی تلگراف دردی ما ۱۲۸۵ که سسدا دد اعتبار سسبون آن به ۱۶۱۰۰ نفر میرسید سسنا سسرت سس ارتجاع از کس سسر ش جنبش زمینکتن بود.

مظفر الدین شاها سس از اسامی قانون اساسی مصوبه مجلس در گذشت و به جای وی ولیمهدا و محمد علی میرزا بر تخت پا دنا می شکسده. اسن شخص از همسارن روزهای آخر حکومت پدر کینه عظیم خود را بر علیه جنبش مشروطه و مجلس و قانون اساسی سسنا داده سوده.

همزمان با تشکیل مجلس در تهران، سسدریج و با تعمیق جنبش انقلابی اسبران انحصن های سوده ای در سساری اشهر های اسبران و از جمله در تسری بزرگه از سسنا سسیل با لای انقلابی بر خورده اسر بود سسوده آسند. اسن انحصن ها سسبلور قدرت سوده ای (اکسرا سسار کوچک اصناف و خرده سوزواری شهری) در مقابل قدرت رسمی دولتی سسما میرفتند. انحصن های مردمی همچون خاری در سسنان سارنگاران سسما میرفت. آنها سسلی



سنا سبت هشتاد و پنجمین سالگرد زکندت فردريك انگلس:

آموزگار ان زحمتكشان هرگز نمي ميرند

هشتاد و پنجم سال پيش خاكستر چديكي از رهبران پرولتاراي جهان فردريك انگلس، دوست و همسرزم ماركس به دريا ريخته شد. اكنون نزديك به يك قرن است كه آموزشهاي خاويدان ماركس وانگلس همچون مشعلبي فروزان برنا ريگسرين زواياي مبارزات خويشاوپا يان نا پذير زحمتكشان عليه ستم سرمايه، اين خصم آشتي نا پذير بشريت، برتوا فكنده و چون قطب نمايي دردست طبقه كارگر در راه آزادي و سراسري و در راه محو و نابودي نظامي بيلسديهاي سرمايه داري بكار گرفته ميشود.

فردريك انگلس يك نابغه بزرگ بود. اما تنوع و روشن سيني او كه از تحليل درخشان اش از سرنوشت رخ سرت بطور اعم نقش دوران تاريخي كارگر بطور اخص منسلو كردنده و يك سبب مكنش علمي سرچهان و جامع را بسان بپاده شد. جدا از آن ترابي كه اين نابغه بزرگ و پنجمين ماركس در آن ميرسند، مي توانست برورده شود.

مدرس آموزشهاي ماركس وانگلس، سرمايه جمع سدي ارسامي دسا وردهاي بشريت در زمينه هاي مختلف علوم صورت گرفت كه انقلابات صنعتي واجتماعي آن روزگار ورشد نما سات لورژواشي ولاخرم تشديد استعمار روح و دتفا دهاي طبقاتي لروم پيدا يست و زمينه هاي لارم براي تدوين آسرافرا هميا خنهد.

انگلس هم مانند هم زمينش ماركس نابوغي نكسرت خويش نظامي اسس دسا وردها را فرا گرفت و با عنصر

نخيه از صفحه ۱

آري ...  
جهت ندي شدن روابط بين آمريكا و اسران و ... درآمده بود. از اينرو آزوي مكنش را دانست و چه بسا هم بود كه شا ه را با مرگ هم آغوش كرد. و پنجمين لحاظ هم مطمئنا نه تنها در مرگ نوكر دبر سبه و وفا دارش اشك شريخت بلكه شا دي نيز كرد. از طرف ديگر جناح "البرالها" در رژيم جمهوري اسلامي هم از مرگ شا ه بسيار رمسور و خوشحال شدند چرا كه مرگ شا ه مزدور براري آنها ميرسيد گام مي به ميشد در جهت عادي كردن روابط اسران سا آمريكا سات. البته ممكن است حزب ارتجاع جمهوري اسلامي او عوايش از مرگ شا ه را خت ندها شد. انهم بدين خاطر كه آنها يك خرجه مهم براي قوت نوده ها و راه انداختن ها هوي تمدا ميربا لستني را از دست داده اند. اما در اين ميان، اس سيروهاي انقلابي و نوده هاي زحمتكش هستند كه برانتي از مرگ شاه خنا بكار، دشمن دير سبه و خونخواران ناهندند. آنها بخاطر اينكه مي از دشمنان اسر رس رفته است. دشمني كه مصل ۲۵۰۰ سال زور كوشني، استعمار جنابيت و خيانت بوده است. البته كنهه مهمي در اينجا وجود دارد و آن اين است كه شا دي نوده ها در اسر مرگ شا ه در ميان با فرا رنا همسا ركو كونا بود. اس اسر اكزيري از دلالتش مرگ سياسي شا ه عدم حضور نوده ها در زندگي نوده ها بوده است. دليل ديگر و مهمترين دليل نوده هاي زحمتكش و ستم بده خلق از رژيم جمهوري اسلامي است كه اين دليل نوده ها خود را صليل بر آورده شدن خواستهاي نوده ها را انقلاب مسا شد. نوده ها مي سمنه كه شا ه بر عليه رژيم شاه و اسران امپرياليسم مبارزه كرده اند و در اسر مبارزه شهداي بندياري داده است. اما مورديست بوسان ناسد. نا خودشان در مصميم كبريها حضور فعال و شمعين كينده داشته بيا شد. مبارزه آنها فقط بر عليه شاه نبوده است مبارزه آنها بر عليه سيمي نوده ها سات. كه شاه مزدور و رژيمش خا ان بوده اند. و نني اكنون كه پيا هنده ميكنند رژيم جمهوري اسلامي حما سات از نظام سرمايه داري و ابستر را بعهده گرفته و با نما بدرت خود سه بازاري اين نظام پبردا خنده است. در كرمرك شاه جلاد آنطور كه شا ه آنها را ناهند ميكد. چو نه مرگ شاه را ملازم همراه با مرگ سستم مورد حمايت شا ه نتي ميشند سبمن دليل و با اس اعتقاد كه بارك شاه خاشن مبارزه با ن سافته است. به مبارزه خود دامه ميدهد. آري، نوده ها به مبارزه خود دامه ميدهند و سراسر با تمام وجود خود لستن كردند. انكه شا ه ميربا لستن آمريكا از اسران و منطقه بيرون رفته است. نه سرمايه داري وابسته كه شا هامي و با سدار ان بودا بودنده است و نه به نظام استعمار روسبره كشي صدمه جدي و نبعيبس كينده اي رسيده است. كارگران و نوده هاي زحمتكش و ستم بده خلق مي سبند كه هنوز امپرياليستها در اسران فعالند. هنوز سبتم سرمايه داري وابسته با برجاست. و رژيم جمهوري اسلامي به با ز مسا زي آن پبردا خسته است. هنوز... بنا سراسر اين نما رزه خود ادا نميدهند. و اسر مبارزه نا بودي نظام سرمايه داري وابسته و كليها ميان آن بيرون راندن نظامي امپرياليستها و برقراري جمهوري دمكراسيك خلق به رهبري پرولتاريا ادا نميخواهد افت ■

سراري كنده زحمتكشان داشت. فعالانه در نما زرا با اجنماعي سركت نمود و سبتم رچنان را علاوه بر سبتم اسر سبت دسسال كرد. فلسفه علمي در واقع حاصل فلسفي اسر سرتك فعال و آسوري هندا نشه شوريك بود. انگلس همدوش ماركس در نما مي حبه هاي مبارزات انقلابي كه در آن زمان در اروپا سله و رسيد سركس داشت. او اول خدمت مي گرفت و در حبه مي خنكد. در زمان ندي مبارزات كارگران نقش فعالني داشت. فلم دردست او امابيش از هزاران اسلحه در تراسش داشت. وي سياسي اندسه هاي كه قابل اجرا ماني در جهت بسود بسوزاري بود خا سا به بي خنكد. آثار سركساي همچون "آسني دورسك" حايل اسر مبارزات بيگرياست. "انجادنده كمونسنيها" و "سپس اسر الليل اول سمناه مجمع كمونسنيها و سگان هدايت مبارزات زحمتكشان در سراسر جهان. سبتيكي از خرجه هاي مهم مبارزات ماركس وانگلس بودا و سراسر زندگي براراش را وقف تحقو آن ابيده هاي درخشان مي نمود كه خود را با به كذا رانش بود. ابيده هاي كه در نما سبتم كمونسنت نا بودي محتوم سرمايه داري و مالكيت خصوصي بر اسرار توليد را با فريادي رسا اعلام نمود. اسر اسامي سامي استعداد، سبو و حان ما به خود را در اسر راه بسنار گذاشت. و سراسر نما بدتها سس از هدايت سس الليل اول هنگامي كه سركرم تدوين تاريخ سس الليل اول "جمع سدي اسر ان بود، اسر اساماري خشي كه نتيجه فرسودگي و رنج شاهانه روزي ناي اسر ان سبتم وي بود، از با در آمد.

مبارزه با امپرياليسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نيست

اعتصاب غذای زندانیان  
تحصن خانواده ها و میتینگهای  
موضعی در مسجد سلیمان

دا سده دستگيري عناصر مبارز و انقلابي در مسجد سلیمان روز بزرگتر شده نرميشود. اكنون دهها تن از جوانان مبارز اسر شهردر زندان سپاهي داران اسر مي سرنند. رژيم جمهوري اسلامي كه همواره خود را بديروغ مدافع حقوق انساني و با مطلق معنويت معرفی مي كند، افرا در ابدون هيچگونه دليلي با زداشت ميكنند و مدتها زندانيان را در بلاتكليفي و در بسياري موارد بدون ملاقات در بدت ترين شرايط زميني به بنده ميكنند. اين روش سبتم بدها و اسلاحي "جمهوري اسلامي" در مسجد سلیمان نيز بخوبي اعمال ميشود.

روز ۵۹/۴/۲۲ زندانيان سياسي مسجد سلیمان در بنقه در صفحه ۱۳

منشور شد:  
تنويري زمينسنگان در مورد ساخت جمله و ارزيباني از خرده بوزوازي

پیکار